

# کتابخانه سینما



شب رُ  
کریستال  
مرد خاکسری  
پوش»

سینما سکوپ  
رنگی  
اشترک  
گرگور نیک  
جینیفر جونز  
فردریک پارچ

سال پنجم  
شماره ۱۵۰  
مهر ۱۳۳۵  
۱۰ ریال



وحدت

هنر پيشه فيلم

« نردبان ترقی »

کمر هفت





طلبكار!

در چند روز گذشته همه هايك  
آقای «مهدی مینا» بر علیه  
شهرتار آغاز نموده بود توجه  
هنر دوستان و هنروران را بحدود  
مضطرب نموده است.

ضمنا ضمن خبر اطلاعات این  
طرد مفهوم شد که مبلغ ۲ میلیون  
ریال بابت هوارش شهرداری توسط  
میانامه قابل وصول است و ما هم  
در هفته گذشته این موضوع را با اطلاع  
خوانندگان عزیز رساندیم و برای  
اینکه اصل خبر «بشت رده» نماید  
هفته گذشته در استودیوی بدیع با  
(طسکار) ملاقاتی صورت گرفت که  
در ذیل صحبتهای «ردوبدل شده»  
بنظر خوانندگان عزیز می رسد.

- تفاری بشکنده ماستی بریزد...  
.. جهان گردد ...

«مینا» - چه تفاری چه ماستی  
چه کشکی اما با مگر زیر بار می رود  
ایشا می خواهند حق مسلم مرانوش  
جان فرمایند!

- بطور مگر اطلاعات را  
تغولده اید!

مینا - چرا خوانده ام و  
بشهرتاری هم رفتم و گفته اند  
ول کن بابا اسدالله!

- بهمین شلی ... آیا منصرف  
شده اید!

مینا - مگر ارنه پدرشان  
را میخواهم که منصرف شوم، بالاخره  
در این ملک «دادگستری» وجود  
دارد و این موضوع را آنقدر تمقیب  
خواهم کرد تا حق معقدار رسد!

- در این مورد کمکی نیز از طرف  
دوستان شما شده است!

مینا - مطبوعات در این مورد  
از من دفاع میکنند و خواهند کرد  
زیرا آنها بخوبی میدانند که حرفم  
حسابی است.

- شما چه عقیده ای دارید  
آیا موفق خواهید شد.

مینا - وکیل دادگستری من  
از کلای زبردست و مشهور است  
و در صورتیکه برونده دادقیقا، طالعه  
نمایند موفقیت مراحتی خواهند دانست

و حالا باید دید که «طلبکار»  
موفق خواهد شد، یا موضوع  
کسانی السابق با یکانی خواهد شد...  
در صورت باید منظر آینده بود!



تشکر از همکاران و خوانندگان عزیز

در هفته گذشته عده زیادی از خوانندگان عزیز و همکاران ارجمند  
مطبوعات و موسسات فیلمبرداری پنجمین سال انتشار این مجله را  
تبریک گفته اند ضمن تشکر از کلیه آنها، امیدوارم بتوانیم همچنان  
با شماره جله ادامه داده و رضایت بیشتر همگان را فراهم آوریم.

هیئت تحریریه

اثرات

۴۰ درصد!

پس از تقلیل هوارش فیلمهای  
فارسی همانطوری که انتظار میرفت  
دو نوزه سازندگان «۶ میلیتری»  
وارد میدان شده و تا بلوهار جا-  
های سابق خود نصب میگردد!

هفته گذشته شنیده شد که آقای  
نوربخش سازنده شاهکارهای پرخرج  
«المی و مجنون» و «خسرس» و غیره  
فعالیت نوین خود را بطریقه «۳۵  
میلیتری» و تمام رنگی «۱» شروع  
نموده و با خرید ۳ دستگاه آپارات  
وارد کوره بشود.

تلویزیون ایران

از هفته گذشته دعوتی از طرف  
تلویزیون ایران از کلیه نویسندگان  
و هنرمندان بعمل آمده تا در تنظیم  
برنامه های تلویزیون شرکت نمایند  
کوبا قرار است طبق معمول در جهان

در باره

تلویزیون ایران

از هفته گذشته دعوتی از طرف  
تلویزیون ایران از کلیه نویسندگان  
و هنرمندان بعمل آمده تا در تنظیم  
برنامه های تلویزیون شرکت نمایند  
کوبا قرار است طبق معمول در جهان

تلویزیون ایران نیز فیلمهای اولین  
مرتبه بمرض نمایش بگذارد و در  
حال حاضر مذاکراتی با مقامات  
فیلمسازی عمل آمده تا اقدام بخریده  
موسسات مختلف از کشورهای مهم  
فیلمسازی صورت گیرد.

ضمنا تلویزیون ایران عده ای  
هنرمند مورد لزوم خود را از هم  
اکنون استخدام نموده از جمله آقای  
«خاکدان» دکوراتور فیلمهای  
فارسی نیز بنا بر توصیه آقای «مینا»  
هفته گذشته با استخدام تلویزیون  
در آمد ما امیدواریم در کار جدید  
خود موفقیت بیشتری کسب نماید.

چشم

ستاره سینما

روا بگشته ۲۷ پنجمین سال  
پنجمین سال انتشار مجله طبق  
دعوت هیئت تحریریه عده ای از  
ارباب جریده و خبرنگاران و هنر-  
مندان و خوانندگان مجله در سینمای  
مولن روز حضور بهم رسانند...  
از مدعوین و سبیل شیرینی و  
چای و کاکولا پذیرایی عمل آمده  
و پس فیام معظم «جویندگار طلاع»  
اثر (چارلی چاپلین) بمرض نمایش  
گذاشته شد و مورد پسند مدعوین  
واقع شد.

مجلس در حدود ساعت ۱۱  
پیاپی از رسید و مدعوین سالار سینما را  
با احتیاط راه ای خوش ترک نمودند.  
هیئت تحریریه مجله بمناسبت  
اجابت دعوت از کلیه مدعوین تشکر  
مینمایند.

جنوب شهر

قرار است تا دو هفته دیگر  
فیلمبرداری فیلم «جنوب شهر»  
شروع شود این فیلم توسط آقای  
«فرخ عفاری» کارگردانی و با  
مشارکت عده ای تهیه خواهد شد.  
سوز فیلم درباره لات یا مرضی  
است در جنوب شهر که با حوادث  
گونناگونی مواجه میشود و در این  
ضمن انتقاداتی از اوضاع کنونی  
صورت خواهد گرفت!

ستاره فیلم «خانم اسودی»  
است که اعلامیه شماره گذشته اش  
سرورده ای تازه ای با نموده و یک  
«نکتة فسی» ماهرانه تلقی شده  
است!

ضمنا صدق «اسال» نیز شاید  
دل «لات» را بچیده گیرد.

بقیه در صفحه ۳۴



صاحب امتیاز و مدیر

پایرور سمالتیان

با همکاری

روبرت اکهارت

سال پنجم - شماره ۱۵۰ - یکشنبه ۴ اسفند ۱۳۴۶

محل اداره - خیابان منوچهری پاساژ لعل

تک شماره ۱۰۰ ریال - گراور رنگی ساخت کیهان

چاپ مصور تلزن ۳۵۰۶۵ - گراورسازی خواندنیها



روسازاپودستا

روی جلد

ستاره پیام «لایگورن»



# آخرین و تازه ترین اخبار سینمایی جهان



من سگس هفتم ۱



«بیش از این نمیتوانم صبر کنم من عاشق دل‌های سگس هفتم باشم تاکنون در یک سری فیلم‌های اسپانیایی، فرانسوی، ایتالیایی، سگسکی، آمریکایی و انگلیسی بازی کرده‌ام ولی نتوانسته‌ام در مورد علاقه‌ام بدست آورم» این سخنان را «پانرشامه‌بنا» با صراحت هرچه تمامتر بچهره نگاران ارازا کرد چنین حدس زده میشود که وی از بازی در فیلم‌های قلاب‌چاپ و شوالیه سیاهپوش و رازون و غلام دیگر خسته شده و میل دارد در فیلم‌های «سگس دار» ظاهر گردد... کسی چه میداند، شاید بقول خبرنگار مجله پیکچر گوئر «پانرشامه‌بنا» هم بتواند در آینده رفیق تازه غسی برای مانسفلد و ونورو باشد»

کنندال معطوف شده است و هیچ بید نیست حال آینده استارهای جوانی را هش بگذارد

## فامیل اعمال ۱

هنگامی که تهیه کننده و کارگردان معروف «آلدرواستون» شرکت اکتور بزرگ انگلیسی «چیزبیسور» فیلم «اضحاح در دریای رادر سواحل هادالی تهیه می‌کرد، «پالما» و «پورتلند میسون» همسر و فرزند جیل برای دهباری ادوی بدباجار پست

کرده اند به‌عنوان اکثر خبرگان سینمایی جهان، این فیلم موفقیت شایانی برای کارگردان آن کارول به ودلارهای تازه‌ورده‌ای برای تهیه کننده‌اش «کارول فودمن» به‌سراخ خواهد داشت.

## رقیبای مهربان!

همانطور که جن مانسفلد و مریلین مونرو - جنرالولوپر به‌بدا و سوفیالودن را رقیبای سر سخت و دشمنان شده یک شرف داده اند «سیلووا اپاپائینی» در «النتورا دوسی دراکور» را بعنوان رقیبای مهربان و بی‌آزار عالم سینما می‌شناسند. ایلا که میدان سینمای ایتالیا از همه پیشگامان و پروردگان خالی شده و مهوری وجود ندارد تا مقابل آندوه علم کند، سیلووانا والنتورا در آغوش هم با آسودگی و فراغ بال فیلم‌بازی می‌نمایند و از رفیق‌تاریخ ترس و واهمه ندارند.

چون اسپروسانتس چندی قبل فیلمی تحت عنوان «جاده طولانی سال» شرکت این دو پروردی خوش اندام ساخت که در ایتالیا با موفقیت‌های فراوانی در پرده‌هاست. می‌گویند در فیلم مزبور «ماسیو چرونی» در آغوش این دو سیمین تن دلی از فرا در آورده است.

## فلم آینده جورج کوکر

طبق خبر منتشر شده، تهیه فیلم جدید «جورج کوکر» کارگردان بزرگ سینما بنام «گره روی شبروانی» بالغ «بعلت مسافرت الزامات تولید استاره‌دار فیلم بروسیه مدنی تویق خواهد افتاد. بهین جهت کوکر فرصت کافی خواهد داشت تا در مورد ساختن فیلم «مردو سوپرمن» اثر برناردشوار کوشش و فعالیت نماید در این فیلم «راس هرپسون» و همسر تازه‌اش «کی کنندال» دل‌های مهم‌رابطه خواهند داشت کوکر کنندال تهیه فیلم اخیر خود «دختران» نظرش بسوی

بادگاری کوپر، فیلم «تیره روزان» در استرالیا.

## اثر تازه کارول رین

اکنون آخرین نسخه‌های فیلم تازه‌وسر کارول رین، تازه سینمای انگلستان موسوم به «کنید» در اسودوی آنتیه بریتیش جادی و در بین فرار در آنتیه نزدیک آماده‌ساخت خواهد گردید. داستان فیلم از زمان (استلا) اثر جان رهارنک اقتباس و وقایع آرطی سال ۱۹۴۱ اتفاق یافته. دل اصلی فیلم، یعنی نقش دیوید داس را اکتور شهر آمریکایی «ویلیام هولدن» ایفا میکند و در مقابل او، «سوفیالودن» ستاره ایتالیایی و «تروور هوارد» اکتور انگلیسی هنر دانی می‌نمایند. در فیلم «کنید» هولدن - لودن و هوارد هر سه بهترین دل‌دوران هنر پیشگی خود را ایفا

## دیورا کار دور دنیا

ستاره زیبای مدیای معروفی چون کیمبروی، کنجیای حضرت سلیمان، بر جوان و از اینجا تا ابدت که احرا سایر فودمانس شکفت و خارج از توصیف خود در فیلم «عمادیمانه» آمان آلیسون» کاشیده دریافت جایزه اسکار بتوان بهترین آکتورین سال گردیده‌است در این اواخر شهرتی عجیب کس کرده که حتی برای خودش هم باعث تعجب و حیرت فراداست.

«دیورا کار» سدا از زبان فیلم «مزه‌های جدا از هم» برای کیانی مستقل حکایت می‌کند. سفری بدور دنیا همراه رفت تا در یک سری آثار عالی و قابل اهمیت جدید بازی کند. با «یول براینر» فیلم «مسافرت» در وین، با «روسانو براتس» فیلم «برکت» در انگلستان



سوفیالودن و تروور هوارد در صحنه‌ای از فیلم «کلید» اثر کارگردان بزرگ سر کارول رین «عکس مخصوص ستاره سینما»

سوفیالودن و تروور هوارد در صحنه‌ای از فیلم «کلید» اثر کارگردان بزرگ سر کارول رین «عکس مخصوص ستاره سینما»





جیمز میسون، همسر و فرزندش پالما و پورتلند میسون  
با اتفاق در فیلم «افضاح در دریا» بازی میکنند

شودند و این خود فرصتی بود که  
استون تصمیم بگیرد آنقدر را به  
پانچاق در فیلم «زودیاک» دهد  
پالما و پورتلند در نقش مادر  
و دختر که گرفتار خودش و پانچاق  
ناپسندگام دریا می شوند و در  
خواهند آمد و ثابت میکنند در  
هنر زندگی کمی از جیل میسون  
ندارند و در فیلم «افضاح در دریا»،  
ستاره لاری سامپسون «زودیاک»  
و «زودیاک» دل قابل میسون را بازی  
مینمایند.

### لسلی کارون و درام ۱

«من آزادی در فیلم های  
موزیکال گشته شده و به دیگر  
در فیلمی نخواهم رسید» در آینده  
من فقط نقشهای دراماتیک بپذیرم  
گرفت. «اینها سخنانی بود که  
لسلی کارون» بالترین شهر و  
محبوب فرانسوی در یک مصاحبه  
مطبوعاتی یکی از خبر نگاران  
انگلیسی ابراز کرد. کارون هم  
اکنون عازم انگلستان شده است  
تا در دراماتیک از بلژیک که وسط  
تپه کنده معروف سیدنی باکس در  
استودیوی آرتور در آنک پنهان  
بر عهده بگیرد. اسامین مبلد (آنا)  
میباشد و سرگذشت زنی است که  
سابقاً بر تنک جنایت شده و دوران  
دهشتناکی را گذرانده است. لسلی  
کارون یکی از خبر نگاران گفت:  
«این نخستین زن کاملی است که تاکنون  
ایفا کرده ام»

### کارگردان جدید!

مهمترین خبری که این هفته بدست  
ما رسید، خبر کارگردانی فیلم  
موزیکال و عشقی «تول عشق» است  
که به (جن کلو) ریانس و هنر پیشه  
محبوب میل های راجن، اسکر کشی  
یک آمریکایی در پاریس و بریکاردن  
محول ساخته اند. فیلم فوق العاده  
اولین اثریست که کلی بدون شرکت  
خوبش در آن فیلم را کارگردانی میباشد  
و همه امیدوارند وی در عرصه جدید  
خود با موفقیت روبرو خواهد بود.  
فیلم «تول عشق» بشرکت ریچارد  
ویدمارک و دوریس دی در کپانی  
منرو گلدوین مایر بخرج چورف  
فیلمد تهیه میگردد.

### چند خبر کوتاه

«هنر پیشه معروف چف -  
چندلر - چک: لانس و مارلین کارول  
نقشهای اصلی فیلم «افضاح» را که پکار

در تانستان سال جاری وی فیلم  
بزرگی بنام «عروسک سفید» را  
باجرکت خود در پنهان بود و جیل  
کاکو در استرالیا تهیه خواهد کرد.  
+ «آلراج» و «دارلپوپا»  
دو هاد بلند در فیلم «شورش»  
بکار گردانی مایکل کورتیز راهای  
مهم را بازی خواهند نمود.  
+ بر از پانچاق «شورش»  
متکرم، آلن اسد فیلم «سالکین»  
بدرشت با ارست بود کتاین  
شرکت خواهد چست.

+ در مقابل کرینگودی یک در  
فیلم «لاف» را «چون کالینر»  
بهمه خواهد داشت.

× جولر لندن ستاره جدید نا  
کاری کو رود فیلم «مردی از غرب»  
بازی میکنند.

× (شاهد نقیب) اثر جدید  
(بیلر و ایلدو) از طرف کلمه منتقدین  
یک فیلم عالی معرفی و با موفقیت  
بزرگی دوباره شده است.

باجرکت تاپرون باورد، مارلین  
دیشرش چادلز لافتون این فیلم در  
کپان بو ناپته آرتیستس تهیه شده است

+ نام فیلم تازه نام پول خیلی  
اضحک است، «یک بانک کوچک»  
فلسک که پایستی سرفت کرد»

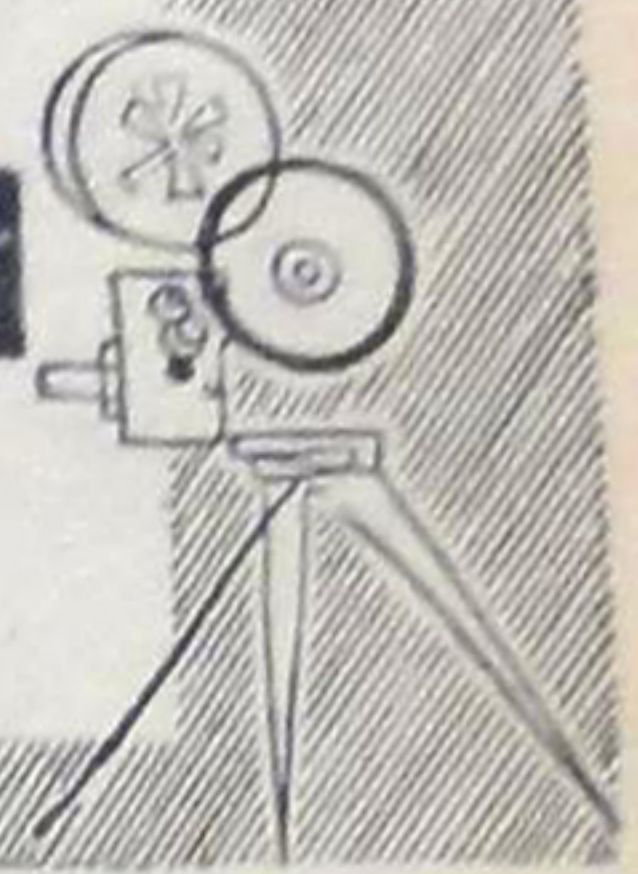


«کی کندال» بارو پیکر... کارگردانی جورج کو کر در فیلم  
«مرد و سوپرمن» باشوهرش رگس میسون شرکت  
مینمایند. کو کر او را در فیلم قبلی خود «عتران»  
شرکت داده بود





# دور و بر استودیوهای ایران



زود بهادرفع مشکلات کار فیلمسازی در این مملکت امکان پذیر نیست و راستی آنطوریکه انسان میخواهد بود نبرد نواقص مشکلات و کارشکنیهای پیشاورنام این نقشهها را از بین میبرد و در وقتها و اجورت پنبه در میآورد با این وجود من انعام قدرتی که دارم یا همه این نواقص و کارشکنیها برآه خود میروم و امیدوارم هر دو سه فیلمی که عرضه میسازم از قبیل پیشین مرغوش و مورد پسند و دلخواه مردم واقع شود (الهی امین!) پس عزیز خان پیرامون فیلم همه گناهکاریم صحبت خود ادامه داد و اظهار داشت: من همیشه کوشیده ام سوزه فیلمهایم از زندگی مردم برداشت شده باشد و همین علت ستاره سو نام پرده را که تالیف ووشیانی است باشد انتخاب کردم و از آنجا گذشته به تهیه آن در استودیو دیانا فیلم مشغول شدم ضمنا باید بگویم همکاری مادر این استودیو با مراد داد عجیبی صورت گرفته بدین ترتیب که ما میبایست فیلم خود را با حداکثر چهار ماه تهیه و حاضر نماییم و در غیر این صورت مبنی بعنوان جریمه برداریم روی همین اصل ماهم وقت را غنیمت شمرده و مرتب بفیلمبرداری اشتغال داریم.

## همه آخرین فیلم فارسی که تهیه آن

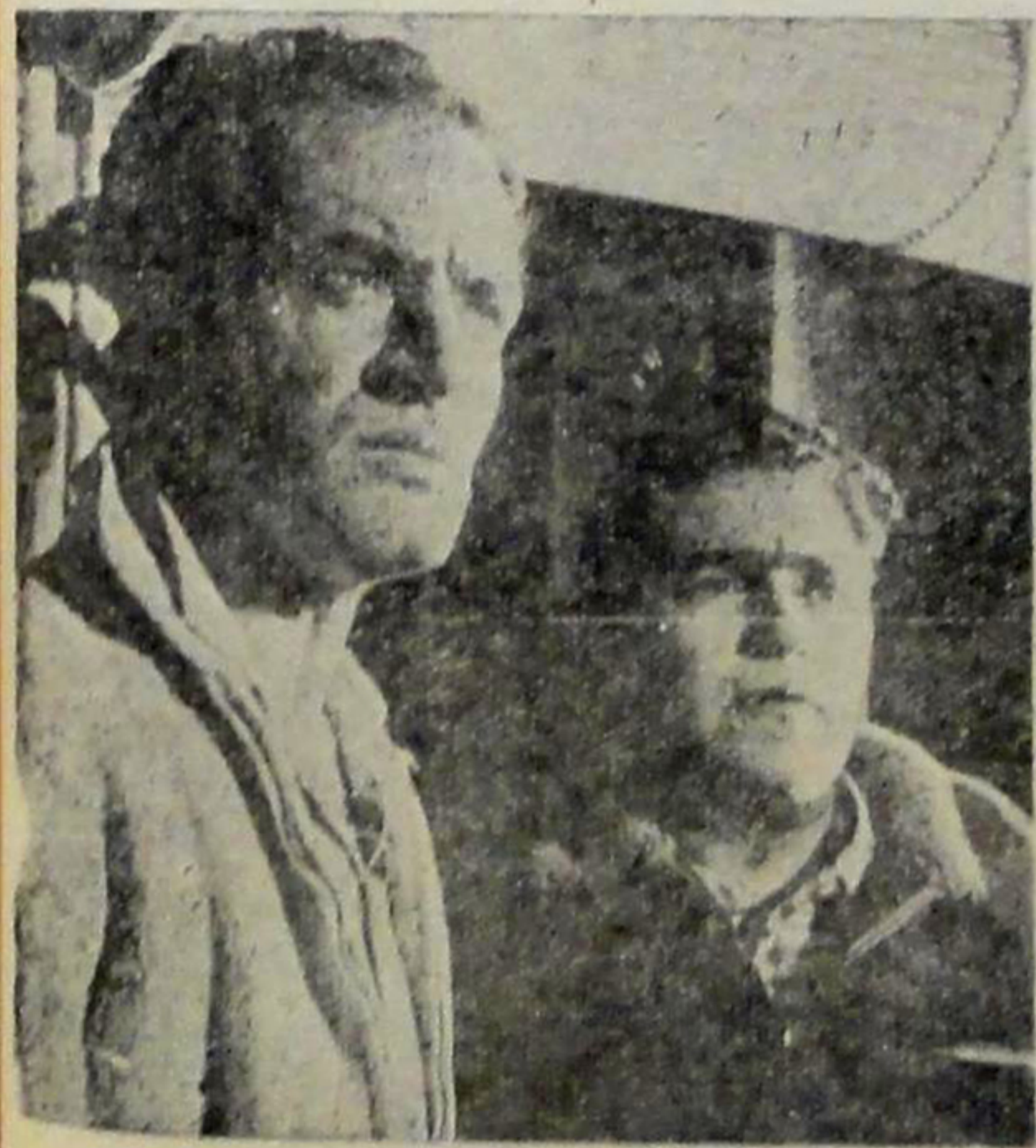
### گناهکاریم آغاز گردیده

#### یک قرار داد جالب برای تهیه یک فیلم!

که چندین سالکس را فیلمبرداری کرده ام این نتیجه رسیده ام که باین

آمده است چه باید کرد معمولا من دلسرد نشده و همچنان بکارم ادامه خواهم داد؛ بایشان گفتم که غرض از آمدنم باینجا تهیه مطلق پیرامون فیلم اخیر شماست و اگر اجازه میدهید مختصرا در خصوص جزئیات تهیه فیلمتان صحبت کنیم گفت که هر اطلاعی که خواسته باشید با کمال میل در اختیار من خواهم گذاشت پس از این گفتگوی ماری سعور فیلم (همه گناهکاریم) چرخید و عزیز خان این طور گفت: «همه گناهکاریم» پنجمین فیلمی است که در تهیه و فیلمبرداری آن دست دارم فیلمهای قبلی عبارتند از: مهتاب خونین، حورشید سپید رخساره مردی که رنج می برد بر سه خوشحال و همه گناهکاریم البته فقط این دو فیلم اخیرا سرمایه شخصی خود ساختم و در فیلمهای اولیه فقط امور فیلمبرداری را بعهده داشتم.

تازه ترین فیلمی که در این اواخر تهیه آن آغاز گردیده همه گناهکاریم محصول استودیو دیانا فیلم میباشد. باید متذکر شد که استودیو دیانا فیلم در حال حاضر وجود خارجی ندارد و عجلانا فیلمهای خود را در استودیو دیانا فیلم تهیه میکنند عزیز رفیعی موسس استودیوی نامبرده می باشد و همچنین فیلم همه گناهکاریم را خود وی تهیه مینماید. در هفته ای که گذشت به محل استودیو رفتیم ساعت در حدود هفت بعد از ظهر بود. وقتی وارد دفتر شدم عزیز خان پشت میزی نشسته و به دو کوباز ستاره پوی فیلمش اشتغال داشت هدای از منر پیشگان فیلم نیز از قبیل حیدر صارمی، بانو اسودی و روشیان حضور داشتند. رفیعی با گرمی ما را پذیرفت و در کنار میزش جای داد. پس از چاق لاشی از عارفان معمول قبل از هر چیز از تجربیات و تصارفات فاجعاری که اخیرا برای او پیش آمده است ابرالتاثرو همدردی کردم رفیعی در اینورد گفت: پیش



«حیدر صارمی» «شریف» در یکی از صحنه های جالب فیلم





بازدمر و وزیر برای انجام يك اقدام و حشنتك گام بر میدارند

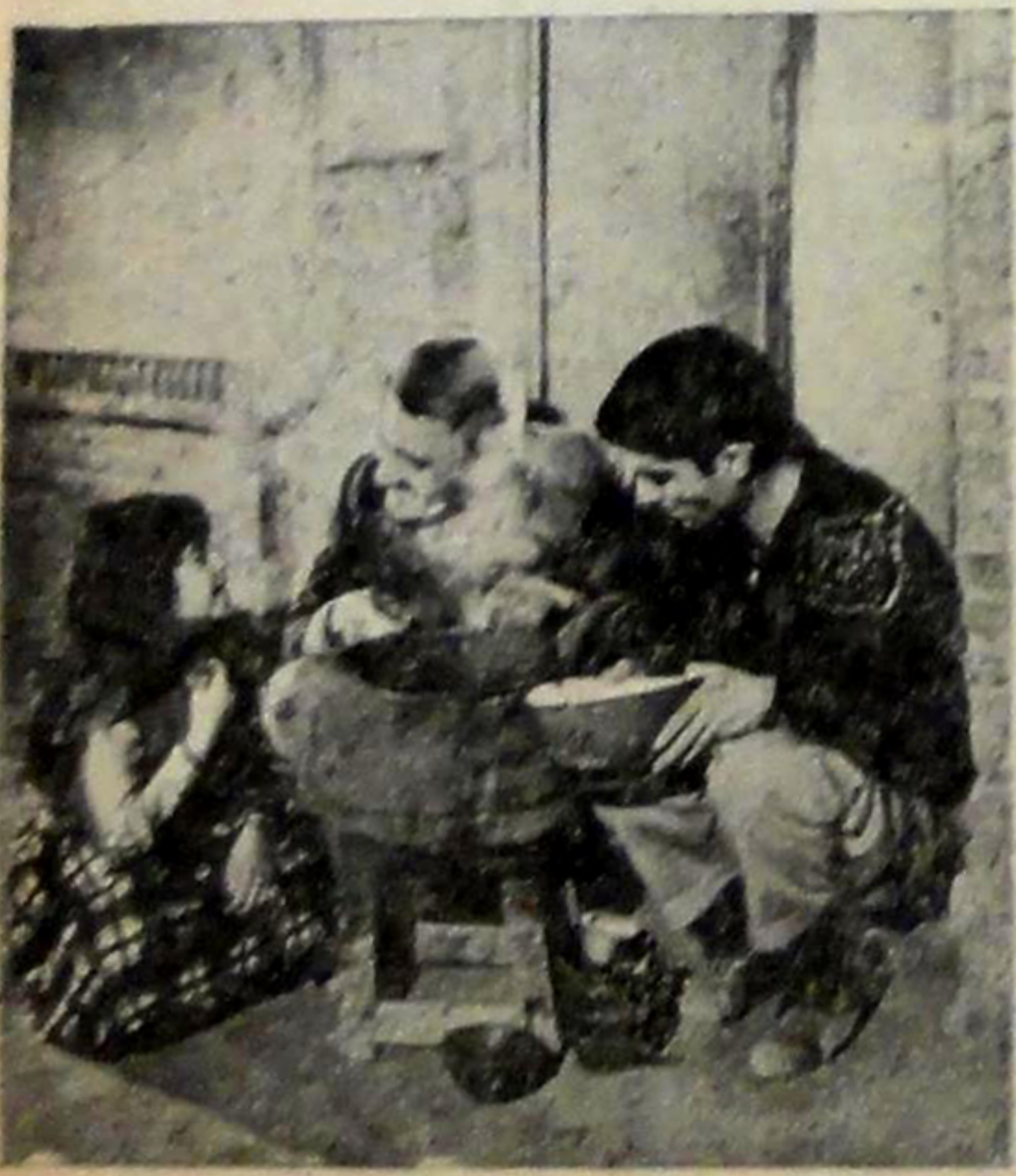
که هر انبای حدی و افسانه آن آسانی  
 فا دارد سکتبه این گده را از  
 من قبول کنید و سپس از انبای فیلم  
 هه گاهکارم صدق آن برشا و  
 دیگران روشن خواهد گردید ما  
 هم که دیگر جانه و رده و دیم  
 خدمتشان عرض کردیم به وقت  
 شارا طالم و سرداران موافق به  
 دمی اصلاح دادند که پلاتو حاضر  
 است و قلب داری و استوار آغاز  
 نماید. تبعاً رفیق و همکاران و  
 و هنریشان این میان عازم بلاوی  
 استودیو گردیدند و شباً از غیر نیز  
 دعوت شد تا در هنرنگم چند سخته  
 قلب داری حضور داشته و از نزدیک  
 کار آنها را مشاهده نماید.

تا بر یک ساعت تمام در آن محل  
 حضور داشتیم و نهایتاً آنجا را  
 مشاهده می کردم اما این ادهم نظر  
 مدعا از دیگر معدود و در وسائل  
 کار و کسر بعضی از لوازمات استودیو  
 همارا رسید داد و دایمی که اگر وسائل  
 وجود داشت این کارکنان مینمای  
 ما به پیشرفت های قابل ملاحظه ای  
 نائل میشدند و برای تهیه يك فیلم  
 ساده تا این حد چهار اشکال و مخمه  
 نیشته. و شاید هم اگر وسائل وجود  
 داشت با ادهم بداختن همین فیلمها  
 مشغول میشدند اینطور نیست؟

خداوند با اینکه دارد شوخی  
 غیر ما به. در تویی که انتظار داشتن  
 چنین مطالبی از جاس عفری نداشت  
 قیامه جدی بخود گرفت و گفت: نه  
 آقا. شوخی کدام است! تا صبر  
 نداریم چورتا کنور آینه رده و غبای  
 شاهدار بشما گفته اند (و گفته ام!)

پیشه مستند و ماهر است که متافانه  
 کمتر از او در فدا ما استفاده شده  
 صادمی گذشته از اینکه هنر پشه  
 و انور بر مایه ایست از نظر اخلاق  
 و شخصیت نیز به ارادش و قابل  
 تمجید است نحو که در بین همکارانش  
 به حسن اخلاق شوت بسزای دارد  
 در این وقت البته گفته می خواستم  
 اسامی گاه دقتی فیلم خود را حرفی  
 نباید تا ما برای علامت دار متکس  
 سالم اینطور پاسخ شدم: فیلم  
 داری فیلم «هه گاهکارم»  
 بنامه بعد از دقتی می باشد و بیشتر  
 «ان» مسئول تنظیم نور هستند.  
 دکو بازو کرد کردانی و شاه صاحبان  
 مدعم و آقایان بهرام (بهرام)  
 کادر هنری ساقی و در و حشنتک نیز  
 تا معدودی مساعدت میکنند. من  
 امیدوارم با همکاری ده ستار و راهبانی  
 های بی شایه آنها غلم را نحو  
 مطلقاً تا حد اکثره ماه دیگر  
 عرضه کنم. به نسبت پدا پدا که پس  
 از انبای هه گاهکارم و تصمیم  
 دارم برای فیلم دیگری به اروپا  
 خصوصاً آلمان بروم قلبه ایندیشی  
 از صحنه های آن در آلمان برداشته  
 خواهد شد آقای صادمی هم در  
 این امر با من خواهند بود. گفتیم  
 در این صورت نقشه های دسمی در  
 پیش دارید آیا این تصمیم چندی

مورد توفیق حاصل کنید و اما اگر  
 ممکن است معترضی در اطراف  
 صوره فیلم و هنر بشکار و بالاخره  
 جزئیات آن صحبت کنید رفیق ضمن  
 اینکه سیکاری (از نوع اشوا) سا  
 تمارف کرد سیکاری نیز خود (از نوع  
 آبادانا) دود کرد و در این مورد  
 گفت هست مرکزی فیلم پیرامون  
 زندگی کودکی است که در اثر بیدقتی  
 و سهل انگاری پدر بوضع اضحیاری  
 دچار میشود و در نتیجه جوان نابالی  
 از آب در می آید و دست به کارهای  
 خطرناکی میزند و اما هنر پشکانی  
 که برای این فیلم انتخاب شده اند  
 عبارتند از: حیدر صادمی، ساند و  
 اسودی، روشیان، با و کاشانی  
 بانو صبری، صادق بهرامی، زندگی  
 حسین، حسنی، شریف، حبیب کاشانی  
 نادیا، دیمی، باوشیس، دسم  
 خانی، سپیده و... (شاه شاه)  
 گفتیم دست که دارم و دیگر ساخته  
 ما که جایش این همه اسم را ندارد  
 ماشاله چه فیلم کم پر سناری میسازید  
 شده عزیز خان به آسمان رفت  
 و گفت اگر که اجازت فرمائید چند تنای  
 دیگر که با من آمده خدمتشان عرض  
 کنم گفت فرسان شما نصف دارند  
 همین اندازه. کامبخت! بعد از حسن  
 انتخاب هنر پشه اول فیلم به او تریك  
 گفتیم حیدر صادمی در واقع يك هنر



نادیا هنر پشه خرد سال: هه و بهرامی از آن خرخر معاش برده



# سینه‌های مدرن حافظ



**CHARLIE CHAPLIN**  
MACK SENNETT'S  
**TILLIE'S PUNCTURED ROMANCE**

صحنه‌ای از فیلم  
«عشق پنجره شده تیلی»  
در باره تزیینات سالن مشاغل شده.  
- سردر سینما از سنگ های  
گران قیمت و زیبا بطرز زیبایی  
آراسته خواهد شد و همچنین در  
تزیین سالن انتظار سینما نیز از مرمر  
استفاده شده است.  
کف سالن سینما از مواد بک  
خواهد بود. نکته جالب توجه سلف  
سینماست. ما بسبب سینماهای  
«پاریس» که زیبا ترین سینماهای  
جهان بشمار می روند سقف سالن را  
بصورت آسمان معمولی و پرستاره  
تزیین نموده ایم بطوریکه تماشاچی  
احساس خواهد نمود در یک سالن  
تاستانی مشغول تماشا فیلم است  
ضمناً سینما مجهز با انواع وسائل  
لدایش جدید می باشد مخصوصاً  
دستگاه لدایش چهارراندی این  
سینما از آخرین نوع متداول در  
دنیاست.

لر و م با مشاورت مهندسان درجه اول  
بانتخت و مطالبات کافی اقدام  
بساختمان سینه‌های فعلی نموده ایم و  
چنانچه اطلاع دارید تا یک ماه دیگر  
آماده و افتتاح خواهیم نمود.  
پرسیدم :  
- از گفته شما چنین معلوم میشود  
که تمام وسائل را که باید یک سینه‌های  
لوکس دارا باشد در مورد سینه‌های  
سابقه مراعات نموده اید.  
گفت :  
- تا آنجا که بر ایمان مقدور  
بوده است از ابعاد ساختمان و وسائل  
فنی میتوانم بگویم که تقریباً تکمیل  
میباشد مخصوصاً از لحاظ صدا و  
دستگاه لدایش نقی نخواهد داشت  
ما برای اولین بار از آپارات های  
مشهور و وکتوریاج که ساخت کار -  
خانجات مهم و مشهور «چینه  
مکانیکال» ایتالیاست و در نوع خود  
به نظیر است استفاده نموده ایم...  
ساختمان سینما مجهز بدستگاه تهویه  
«ایر کاندیش» قوی است که در  
تابستان هوای خنک و در زمستان  
سالن را گرم و متداول نگاه خواهد  
داشت صندلی های سینما با مشاورت  
استادان فن تهیه شده و یک آدم  
۱۲۰ کیلوگی می راحتی خواهد توانست  
در آن مستقر شود «ا»

پرسیدم :  
- سینه‌های «حافظ» چند نفر  
گنجایش دارد و آیا ورود و خروج  
بر راحتی صورت خواهد گرفت؟  
آقای ملکی اظهار داشتند :  
- با وجود اینکه فاصله مابین  
صندلی ها را زیاد گرفته ایم سالن  
سینما در حدود ۱۳۰۰ نفر گنجایش  
دارد و چنانچه ملاحظه می نماید  
در ورودی درخشان شاه آباد  
قرار دارد و برای خروج مشتریان  
خود و در خروجی اعدادت نموده ایم  
بطوریکه سینما قادر است در مدت  
حد اکثره دقیقه ۱۳۰۰ نفر را به  
راحتی و بدون اینکه مزاحمتی برای  
کسی ایجاد شود داخل و خارج  
نماید.

لر و م را در اختیارم بگذارند پس از  
تشکر اولین سئوالم را مطرح  
نمودم :  
- از چه تاریخی تصمیم بنهاسیس  
سینما گرفتید و این تصمیم برای شما  
تا کتون چه مدت آب خورده است؟  
ایشان در حالیکه لبخند می نمودند  
این طور اظهار داشتند :  
- در حدود یکسال پیش با  
مشورت دوستان و آشنایان تصمیم  
گرفتم ساختمان سینه‌های فعلی را  
شروع بایم البته با در نظر گرفتن  
جدیدت بابتخت و احتیاج مبرم آنها  
بسیما در تصمیم تاثیر مستقیم داشته  
است البته مقصود من تنها تجارت  
نیست و میخواستم سینمایی بوجود  
بیاورم که با سینه‌های درجه اول  
اروپا قابل قیاس است بدن جهت  
پس از فراهم نمودن مبلغ مورد

در خیابان شاه آباد چند قدم  
بالا تر از سینه‌های قدیمی سینه‌های  
جدیدی در دست ساختمان است که بنام  
«حافظ» در آینده نزدیک افتتاح  
خواهد شد.  
چون خواننده گان عزیز ما تا  
یکماه دیگر سرو کاشان با این سینما  
خواهد ایجاد میشود جهت تصمیم گرفتیم  
در این شماره درباره ساختمان و  
برنامه های آن تحقیقاتی نموده و  
اطلاعات لازم را در اختیار خواننده  
گان گرامی بگذاریم  
روز دوشنبه هفته گذشته در  
دفتر سینما با آقای «مهندس ملکی»  
صاحب سینما و آقای «چاپلی» مدیر  
سینما باس حاصل نموده و مقصودم  
را توضیح دادم  
آقای «ملکی» با کمال خوش -  
وقتی حاضر شدند اطلاعات مورد



صحنه‌ای از «سرخ و سیاه»





صحنه‌ای از فرنیچ کاسکان

- |   |   |
|---|---|
| ۱- سینما سکوپ رنگی با اشتراک وینود بودسینا                              | ۳- جوانی ملکه ویکتوریا  |
| ۲- آزادی حراست شده سینما سکوپ - رنگی با اشتراک روبرت حسین - ماریه ولادی | ۴- سرخ و سیاه فیلم تمام رنگی با شرکت ژرار فلیپ - دانیل داربو - آستولواالی |
| ۳- شاهکار روسا با بودسا   | ۵- گازیو دوپاری   |
| بقیه در صفحه ۲۴   |   |



### گازیو باری

مورد استقبال اهالی با پشت قرار گیرد. گفتیم ممکن است تعدادی از فیلمهای سینمای حافظ را نام ببریم: هماطوریکه قبلا اظهار داشتیم فیلمهای سینما دست چینی است از عالی ترین و بهترین فیلمهای دنیا. سپس آقای جلیلو لستی از فیلمهای آینده سینمای حافظ را در اختیار نامه گذاشتند. ذکر کلیه آنها در اینجا مقدور نیست ولی تعدادی از فیلمهای که در چهارم سال بروی پرده خواهند آمد در ذیل بنظر خواننده آرا عزیز میرسد.

- ۱- فرنیچ کاسکان اثر کارگردان شهیر فراسوی ژان رنوار و با اشتراک ژان کابن ماریه فلیکس
- ۲- عشق زنجیر شده تیلی اثر نابغه سینما چارلی چاپلین

سینما بر خلاف بعضی از... فیلمهای دوستانه زنم به سعادت منصوص خود در این سینما به عرض نمایش گذاشته خواهد شد. نامزدی مشغولت سینما برای خوانندگان عزیز روشن شد حال پیشم این سینما چه فیلمهایی به عرض نمایش خواهد گذاشت آقای جلیلو مدیر سینما در این باره چنین اظهار داشت:

- قلائدیم داشتیم فقط محصولاتی که برای فیلمساز خارجی را صورت انحصاری در این سینما به عرض نمایش بگذاریم ولی بعدا تغییر عقیده داده و تصمیم بر این گرفته شد که از کشورهای مهم فیلمساز جهان هالبترین فیلمها را انتخاب نموده بروی پرده آوریم.

در این مورد پس از مشورت در حدود دس فیلم انتخاب و خریداری شد. نظر بر ورود کلیه این فیلمها



دانیل داربو - راف والونه - در فیلم «سه سر نوشت»

رومی شناپدر در صحنه‌ای از «جوانی ملکه ویکتوریا»



# فراموش شده‌ها

کافیست از روی آن ما آندرسون را یک فیلمساز کامل بدانیم مانند فیلم بشروی و سوم به «همه روزها جز کربس» تصادم افراد انسانی را با اهمیت زیاد نمایش میدهد. همین احساس مشخصه کامل جنبش و سینمای آزاد است، که در وجود آندرسون و کارش تمرکز یافته، شمار میآید. «پنجشنبه کودکان» در دوره تحسن و نهجید جای دارد؛ این فیلم توسط «لیندسی آندرسون و گای برنتون» تهیه شد و چنین به نظر میآید که طرز کار این فیلم چکیده‌ای از هنر این دو آرنیست باشد.

عزم راسخ «برنتون» درباره مقاصد و استفاده انسانی از فیلم در این قطعه بخوبی جلوه گری میکند و هم این نکته ما را و امیدارد که بآینه فیلمهای دکوماثری که اکنون در دست چنین اشخاصی قرار گرفته با خوشبینی واقعی بنگریم.

پیش از حمل آوردن فیلم پنجشنبه کودکان، اوقطه دیگری موسوم به «تولد» برای توسعه تحقیقات پلموساخت که بدنبال روش خود در این فیلم وی توانست دکوماثری «مردم پراکنده» را بوجود بیاورد این فیلم بنحو کاملاً مستقیم نظریه هدف برنتون را مرتسم و مجسم میسازد در عین حال، این فیلم تماشاگر را با زندگی و مشکلات مردم دیگر که شخص شریک هستند نزدیک و آشنا میگرداند و در جریان تداوم خود بنحو غر آشکاری از تماشاگر می پرسد که آیا میتوان چنین مردمی را از خود دور کرد و آنها را از جامعه راند؟

در حال حاضر نیز برنتون سرگرم تهیه فیلمی در سازه «وپلیام بلیک» است که با زایل دایت تهیه کننده اصلی خواهد بود.

پلر دیکسون چندین سال پیش یکی از ایده‌های فیلم «پارادوکس» را بشمار می رفت. به اندازه‌کاری با پلر دونا، وی حساسیت بخصوصی را نسبت به مردم و مقدمات آنها ابراز

نخستین مسئله تعلیم و تربیت امروز، درک دنیائی است که در آن بسر میبریم، و هر نیروئی که باعث پیشرفت این منظور میشود اهمیت آنرا دارد که در باره آن بحث کنیم «جان گریسون»  
من آرزو دارم که مردم - مردم عادی نه گره ممتاز آن - را با اهمیت و مقامشان و قاف گردانم و فقط این نکات میتوانند ایمان و سلامت زندگی شان باشد «لیندر - آندرسون»

در این فیلم مثالهای روشنی از زندگی روستائی و سادگی و کیرندگی آن در روی پرده سینما نمایانده شده است  
سه فیلم دیگری که بلافاصله ساخته شدند، «سرزمین سبز و خرم» «اطاق بچه‌ها» و «دختری»، نیروی جذابتی دارا هستند. ولی بهترین کار آندرسون در زمینه فیلمهای ۱۶ میلیتری آمانوری - «ای سرزمین رویا» است.  
عجیب است که او این فیلم را بطور خصوصی ساخته و مهادا حشم و احسانات شکست آمیزی چندان شاعرانه پرورانده شده، که پشیمانی

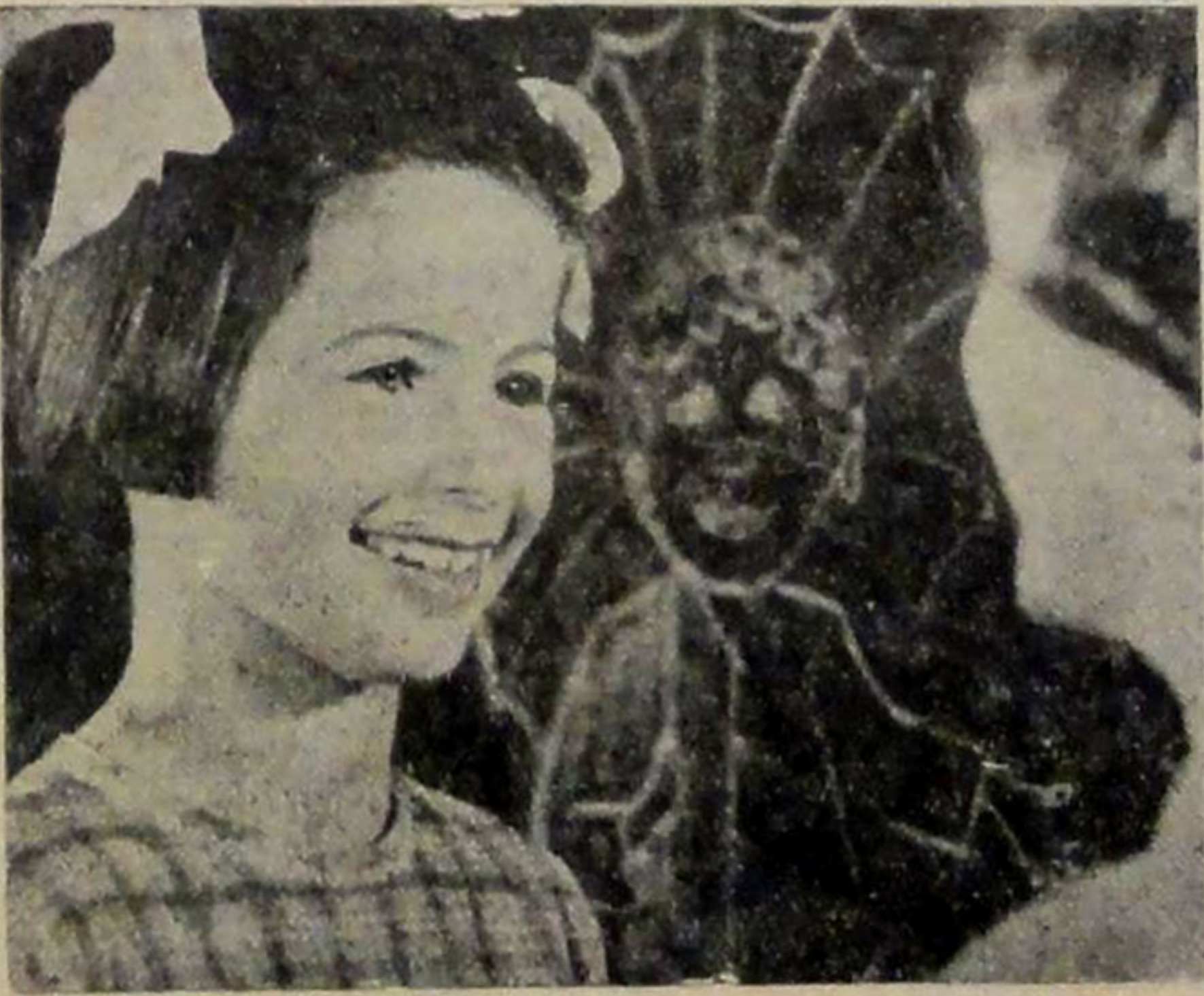
فیلم چنان نشان میدهد که یک روزنامه محلی تنها مجموعه‌ای از کاهن و ماشن نیست، بلکه مردمی است که اخبار آنرا تهیه میکنند و گرچه این یک نظریه بسیار ساده‌ای است مهادا تاثیر آن در تماشاگر کاملاً مشهود میشود.  
«پارودهان» یک فیلم ساده‌است مبین یک سفر مشخص و دنیوی (۱) است. بدین ترتیب این یک نمونه مشخصی است از اینکه فیلمی طوق دلخواه هزینه دهنده، با چه برندی و قاطعیت ساخته میشود - با هنر و حقیقت بیشتر این منظور کاملاً بدست خواهد آمد.

این نکته نوبد بخش است که منظور مشترک تحکیم مبانی انسانی، فقط در کارهای پر زحمت و تلاشهای شخص مانند «مردم پراکنده» یا «کودکان شنبه» ظهور نمی کند، بلکه حتی در پروگرامهای چند دقیقه‌ای تلویزیون گاه بگاه نیز آشکار میگردد. در غیر این صورت، بالنسبه علت ناچیزی جهت خوشبینی ما وجود خواهد داشت.

اولین آثار تهیه شده دکوماثری در بریتانیا که بعنوان جنبش تو، باید بآن تکریمت، گرچه تعداد زیادی دارد ولی هنگام توجه چنان سبک و توخالیند که سخن نمیتوانند اساس ایده‌ای قرار گیرند. بهر حال فیلمها و فیلمسازان شان از لحاظ رجه استعداد قابل اشتباه نیستند.

لیندسی آندرسون یکی از هنرمندان مفرد و معروفی است که در سینمای امروز بریتانیا پا کاه میکند؛ و تا باین روز کار او از نظر تکنیک کاملاً جنبه دکوماثری خود را نگه داشته است.

شهرت او بر شخصیت بزرگ خویش، بر انقاد و موشکافی دقیق و قویش، و بر تعداد فیلمهای کوتاه اشکاء دارد. کارهای نخستین او شامل چند دکوماثری مربوط به صنایع بود که بنحو درخشانی از هیئت نگریهای مردان با کارشان گفتگو بیان میآورد «دوبکفیلدا کپرس» و «پارودهان» (از فیلمهای اصلی برای وزارت کشاورزی) نیز باید در دنباله کارهای صنعتی او ذکر شود. «دوبکفیلدا کپرس» با هزینه بسیار اندک ساخته شد و برای جشن سده روزنامه‌ای بهین نام منظور شده بود. با وجود این که فستهای آن، از اجبار و مسئولیت، هزینه و تضیق اقتصادی متضرر گشته، مهادا دموکراسیون کالمی از هدف و نظر آندرسون دکومثری سینمای بریتانیا... و احساس انسانی فیلم دکوماثری دادن است.



یکی از مسائل تعدیل اجتماعات: کودک کرد در (پنجشنبه کودکان)



# از همه چیز از همه جا

## برگمن بجای موزو

جدید را کس کند ولی... مادامیکه دل در آمانی یکی از فیلم (فقد پرداخت نشده) را باز بردستی نانی ایفا کرد تصمیمش عوض شد و اعلام نمود که از این پس راه اینگریه برگمن را دنبال خواهد کرد

ماغی فضا را شاید حدس زده باشید. شری نظر خود را با روسای کبیانی فوکس بیان خواهد گذارد. لیکن آنها قبول نمیکنند! به همین جهت او نیز قرار دادش را فسخ کرده و با سته دیوی دیگری میرود... یک دو هفته بعد سر و صدائی شنیده می شود: «بازگشت او با شری ۱» روسای کبیانی فوکس اعلام میکنند: «ما با شری هم عقیده ایم هر نقش را که مایل باشد ایفا کند»



«شری نورت» میخواست با ارائه انعام برهه و سینه برجسته خود در یکی دو فیلم مثل (چگونه میتوان محبوب شد) (ستوان دامن پوش ۱) عنوان مریبان موزو را

## چهره فراموش نشدنی



درست بچشان درشت و جذاب، پیش کشیده و خوش ترکیب، و دهان فشرین اولگانه کبند. بدون هیچ تردید بهترین چهره ۱۹۵۱ خواهد بود. چهره اینکه فقط با یک نگاه کوتاه برای ساها فراموش نخواهد شد. است این چهره متعانه (امپراتور کوری) ستاره یونانی لاصل انگلیس است که بتاریخی با حرکت در فیلم (کولی و جتلمن) محصول - و دیوینو و ووده آتشی در اروپا پیاکرده است! منتقدین در خصوص او می گویند: «یک وحشی دوست داشتنی! پلزون آمده آل و یک کولی دلترب و مسحور کننده است!»  
و امروز بعد از وفاتیت حاج ارا انظار (کولی و جتلمن) همه عتیده دارند که یک سالگیاد و لورن جدید است و در آله هالین و دیها را در موزون خواهد آمد!



وقتی «بات (کینگ) کول» خواننده سیاه پوست بهالوود راه یافت همه حدسهائی زدند ولی هیچکس فکر نمیکرد روزگاری عده ای از برکت سر وی و شهرتش دلار بدست خواهند آورد! کینگ کول در فیلم های گل آبی، دختر شهرستانی و سرگهای خزان با آواز روح پرور خود توجه عده ای را بخود جلب ساخت و همین جریان موجب گشت که تهیه کنندگان سود پرست بفکر استفاده از سیاه پویت او بیفتند کبیانی فوکس فیلم «در وازه جین» را با شرکت وی تهیه نمود و بتازگی نیز دل اول «خف های سن لونی» را بدو واگذار کرده اند. قنطاریت را بداید که خوشبختی و خوش شانسی سیاه سپید نمی شناسد!

## بد نیست بد آنید که :

مروف رابرت آلدریج در فلسفی بنام «شش بیگ» دل مهمی ایفا خواهد نمود - «دان ادر لیسر» هنرمند برجسته فیلم «داینسون کروژو» بعد از مدت ها دل مقابل حسین سیوانز را در فیلم «خانه نیل از تاریکی» برعهده خواهد گرفت.  
- برای دل مقابل ادرسن ولز در فیلم «بهر از هر چیز» میخواهند هوبل لانگ هنرمند بزرگ و تازه کار فیلم «مکان بیخون» را انتخاب نمایند - فیلم آینده «لو بس بریلی» نام تو ظاهر وی دارد و کارکنان بخوان! - بزودی «رای راجرز» در فیلم چالی بازی خواهد کرد. نام این فیلم «سرگذشت رای راجرز» میباشد - «جان هوستن» بزودی فیلم «دویش های آسمان» را برای دابیل ژانوک کارگردانی خواهد کرد اما میدانید در کجا، در آفریقا!

- معنه های عشقی فیلم انگلیس «راه و پندام» خاطره قیامهای کر تا کار بود جان کیلبرت را زنده میکند!  
- فلا بکنده از محبوب ترین هنریشکان هالیوود آرزو دارند در فیلم «من عود» همان دلی را که رامون نواد رودر زمان صامت ایفا کرد بازی کنند آنها عبارتند از: تونی کرتیس - بل نیومن - آنتونی پرکینز - داک هودسن و ...  
- جان وین در فیلم «آله ما» دل «دیوی کراکت» و ویلیام هولدن نقش «جیم بودی» را ایفا خواهند نمود  
- استانی کرامر «سیدلی بویتسر» هنر پیشه سیاه پوست را برای ایفای دل نخست قیام جدیدش «چاره طولانی» برگزیده است.  
- جف چندلر برای کارگردان



# مصاحبه‌ای با ئیو چیمپی، کارگردان فرانسوی

## سازنده «قهرمانان خسته‌اند»، گرفتار و طوفان بر فراز ناگازاکی»

بقیه از شماره قبل

بسیار این میتوانم بگویم که در این قضیه صاحب نظر هستیم - برای اینکه فادوت بین يك آكتور و يك غیر آكتور در سینما برایشان روشن شود مثالی ذکر میکنم . یکی از فیلمهای اولیه من موسوم است به «خلبان جنگی ... خلبان خط - مسافری ...» همچنان که از اسد فیلم برمیآید داستان يك خلبان هوا - پیمای جنگ است که در زمان صلح بخدمت شرکت های هواپیمایی در میآید (این ایده را بعدها بنحوی دیگر در «قهرمانان خسته‌اند» نیز مورد استفاده قرار دادم )

- شخصی که در خلبان را در این فیلم مجسم میکرد آكتور بود بلکه در زندگی واقعی ، یکی از برجسته ترین خلبانان شرکت افرانس بود که بیست سال سابقه و تجربه در کار خود داشت - برخی از وظایف او در این فیلم مستقیماً به شغلش مربوط میشد ، یعنی بآن چیزهایی ربط پیدا میکرد که او آنها آشنا بود - مثلا در يك صحنه که هواپیمای وی آتش میگیرد و او با به شمام هم خود را برای نجات سر نشینان بکار برد ، وی بی نهایت طبیعی و خوب بازی کرد . اما گاه که میخواستیم برخی چیزهای کوچک و بی اهمیت را نشان بدیم و روی آنها تاکید کنیم ، وقتی که میخواستیم به جزئیات بپردازیم ، میدیدیم که این شخص دارای تقاضی فرادانی است .

و بشود بود سبک ، بتوان مثال ، مرد کارگری را به تجسم دل اول فیلم دزد دو چرخه ، اش گناشت و نتیجه خوبی بدست آورد و مردك هم آن شهرت را که لازمه گشوده شدن درهای استودیوها بر وی او بود بخوبی بدست آورد و تمایل بسیار بارانه بازی در فیلمها هم داشت و علاقمند بود به فیلم دیگر شرکت کرد . ولی این مرد ، همچنانکه میدانیم ، توانست موفقیت خود را حفظ کند و

شکست خورد و از غایب ماندن . چرا برای آنکه او فقط و فقط برای نوام دزد دو چرخه خوب بود . اما از آنجائی که فراتر از آكتور نبود و از هنر بازی چیزی نبود است در محصولات بعدی شکست خورد من متفهمم که غیر آكتورها را میتوان برای يك فیلم «موسوم» و دارای يك سناریوی مخصوص ، برگزید - اما تنها کاری که آنها میتوانند بکنند اینست که اعمال و عادات روزمره خودشان را جلوی دوربین تکرار کنند .

آنها هرگز حاضر نیستند يك روحیه بشری با يك سائقه انعطافه و از راه بر فرمائش خود بپوشانند و پشاشاچی منتقل کنند . همین جهت است که من عموماً ترجیح میدهم که برای رلهای اول دوامهایم از پروتسپولرها استفاده کنم زیرا انجمن و نبود عواطف و احساسات و انتقال آنها پشاشاچی در واقع هنر اصلی آنها محسوب است .

ضمناً از انتخاب قیافه های آشنا متنفرم و تمیلاً نیز راجع باین نکته صحبت کردم ولی چه میتوان کرد!



- آخر میدانید ، بطور کلی به این مسائل نمیتوان عمومیت داد این نکات بستگی به نوع سناریو و داستان دارند .

الانظر تجاری ، و در این سر که جلب اعتماد و اطمینان تهیه کننده برای موفقیت مالی فیلم بشود . نام دارم از ستاره ها استفاده کنم - با توجه به نحوه « پایان » فیلمهایی که از شما دیدم ، میخواهم بدانم که آیا شکست و نومیدی مالی و نهائی المراد شرتان اساسی آثار شماست ؟ و آیا الاقطه نظر فلسفی واجتماعی ، مستند بآنید که سعادت و پیروزی سرانجام ، در شرایط و وضعیت حاضر و حاکم ، امکان پذیر و یا لا اقل نادر و غارق النادمه است ؟ در مقابل این سؤال قدری فکر

کرد و چنین پاسخ داد : - این مسئله قبل از آنکه حاکی از طرز تلقی من از شرایط حاضر باشد ، بستگی کامل به نوع و نوع سوزده دارد با اینحال ، فرضاً ، در مورد قهرمانان خسته اند ، من مستند بآن نیستم که فیلم پاس آور و فاقه پایان خوش بود .

اگر بخاطر داشته باشید در آخرین پلان فیلم چهارم دو مرد ، دو همکار ، دور فبق ( ابو موستان و کورت پورگنز ) دیده میشود که بند از آنپه حوادث ، و علی رغم آن حوادث ، از يك جانب کادرا باحالتی امیدوار و آرزومند جانب دیگر ، کمی در نیالا ، بسوی نورو روشنائی می نگرند . مفهوم این پلان آنست که زندگی برای آنها تمام نشده است و آنها با بسوی آن ، بسوی زندگی احتمالا بهتر و دنیای احتمالا عادلانه تر و شاداب تری پیش خواهند رفت .

همینطور ، آخرین پلان فیلم «طوفان بر فراز ناگازاکی» در همین آنکه ادامه يك پایان ناخوشی است مردمی را نشان میدهد که علی رغم همه خرابی ها و ویرانسازیهایی بالابا خاسته اند و کار سازنده را از سر میگیرند . چقدر این پلان از فیلم مزبور را دوست دارم ! زندگی سخت است ، این جای خود - اما ما باید از راه پرده سینما



از پروه حرارت و جسات بهمانند  
باید با آنها نشان دهیم که در مقابل  
هر نوع مشکلی میتوان مقاومت کرد  
و ازجا در نرفت. مگر دشمن این زندگی  
بهجت است، من باین نکته ایمان دارم  
که فراموشی و دلایل زیادی مساوی  
و امیدارند که امیدوار باشیم.

آخرین فیلم من می خواهد  
بگوید که از این قلمرو غنچه و فریبانی  
است اما ضمناً درام هم در آنجا  
وجود دارد. با وجود این باید ایتی  
میت (خوشبین) بود. فیلم مدی من  
ایتی مستر است و من امیدوارم که همه  
فیلمهای آنی من چنین باشند.

- پس از نکات ارزشمندی  
فیلمهای شما از نظر من زیبایی  
صوری، و با بهترین کوم، زیبایی  
پلاستیک آنست. آیا احساس میکنید  
که فیلم بتواند یک فرم هنری  
میتواند پلاستیک باشد؛ و اگر چنین  
امری ممکن است و باید انجام شود،  
برای حصول باین مقصود هنرهای  
پلاستیک دیگر چون تئاتر، نقاشی،  
سجاری و غیره را سکنه خواهد بود  
خواست با از وسائل خاص سینما  
استفاده خواهد کرد.

مجدداً از جابرخواست و اینبار  
سراغ و بسکی رفت اما عجله ای  
در نوشیدن آن نداشت.

- بله، یک سینمای پلاستیک  
وجود دارد. این پلاستیک با حرکت  
پاچه رهای انسانی و اکسپریون-  
های ظاهر بر این چهره ها، یادآور  
ولو کاسیون ها و بالاخره با سونل  
ایجاد میشود.

برای ایجاد یک چنین هنر  
پلاستیک در سینما، کارگردان باید  
بینه یک رهبر ارکستر باشد و همه  
افراد واحد تهیه فیلم را تحت اختیار  
خود در آورد. اینجاست که علا  
اگر کارگردانی فاقد حدت و قدرت  
لازمه باشد، در کارش شکست می-  
خورد. البته در یک واحد فیلمبرداری  
هر کسی در کار خود مهارت دارد.  
اما هنر مهارت را اعضای یک ارکستر  
هم در آورد استر و مانها می-  
نوازند و دارند. حال تصور  
کنید که در یک فیلم، مدیر فیلمبرداری  
(این شخصیت در یک فیلم بسیار مهم  
است) برای خودش و به سلیقه  
خودش مگسهای فشرکی بردارد.  
آکتورها برای خودشان خوب بازی  
کنند - دکوراتور پیل خودش  
دکورهای زیبایی درست کند و  
کیوریتور هم برای خودش بنشیند



### حمله متوجه شخص فرانسواز ساگان نیست، بلکه به علاقمندان و مریدان عقاید درست!

اجتماعی با اخلاقی بکار رود - آیا  
منتقد هستید که فیلمهای سینما حاوی  
مکانی برای برخورد عقاید و آراء  
و مباحث مقلته در نمودارند؟  
- بله، ولی نه همه آن ها. سینما  
وسيله خوبی برای پروپاگاندا و  
طرح مسائل اجتماعی است این راهه  
کس میداند - اما نکته اینجاست  
که چه کسی از این وسیله تبلیغاتی  
استفاده میکند و منظور و هدف او  
چیست. اگر بگویم که فیلمها باید  
مسائل بشری را مورد بررسی قرار  
داده و عقاید و آراء جنای خاص  
ارائه دهند، آن وقت هر کسی میتواند  
[اگر فاقد صلاحیت و بیشتر قوی لازم  
هم باشد، فکر آن خواهد افتاد که  
حرف های بی اساسی بر مردم تحصیل  
کند - الزامی ندارد که همه دنبال  
فیلم اجتماعی و فیلم پروپاگانداست  
باشند.

من خودم مایل بودم که یک  
فیلم دارای ترمین بازارم-ولی این

و موزیک گیرنده و مبهجی تنظیم  
کند - نتیجه چه خواهد بود؟ البته  
هر یک از عوامل بطور اتزاعی قابل  
تحسین هستند اما در ترکیب نهایی  
تبدیل به یک آش شلم شور و نامیشوند  
اینجاست که باید نتیجه بگیریم که  
سینما مدیوم کارگردان است -  
این نشین و ژان کوکتور در فیلمهاشان  
از همکاری هنروران متعددی استفاده  
کردند ولی این شخصیت خود  
آن هاست که در آثارشان متجلی  
است و نه شخصیت دیگران - به پارت  
بهتر، میخواهم بگویم که مجموعه  
مسائل تکنیکی یک فیلم البته به همه  
افراد واحد تهیه تعلق دارد ولی  
استیل و ایده، تعلق یک نفر است  
که همان کارگردان فیلم باشد.  
خالی شدن کپلاسهای و بسکی  
چند ثابته ای ایجاد مکت کرد و سپس  
این مشوال مطرح شد:  
- آیا مصله - هسته که فیلم باید،  
و یا میتواند، بتواند یک سلاح

کارشکلی است - نوعی ماسور  
در این مورد وجود دارد که و مشتتک  
ترین آرهاست - این ماسور عبارتست  
از اوس انسیبه کسده و مودع و  
نمایش دهند و بالا بر ماساژ برای  
که بکار کردن در تاریکو سالی سینما  
عادت کرده است؛ ساختن یک مایم  
پروپاگانداست چه از نظر نظر  
تجاری و چه از جهت دیگر بسیار  
مشکل است. با اینحال باید کوشش  
کنیم که در راه صحیحی از این قبیل  
فیلمها ارائه دهیم.

پس از این پاسخ مشوال مطرح  
شد که نگارنده شخصه ملاحظه فرموان  
به استن نظر چینی درباره آن  
داشتیم.

- بنده بسیار متاسفم که موانق  
بشاهده سرتاسر فیلم و طوفان بر-  
فر از ما که اگر شما شده و نقطه تکه -  
هایی از آنرا در رسانه کسرسوم  
دیدم. بهر حال، این فیلم رنگر است  
و من این فرصت را میدهم که نظر  
شما در باره در تکه و سایر مسائل  
و تکنیکهای گمایش جدیدی که در  
سینما بوجود آمده جو یادوم.

- من تصور میکنم که وجود  
انواع مختلف فیلمهای سینما، سیاه  
و سفید پارنگی، و برده اصولی و  
برده عرض و سینما سکوپ و سیستم  
های مختلفه دیگر بفتح ما کار -  
گردانان است. زیرا امیدان و سیستمی  
برای آزادی عمل در انتخاب یک  
شبهه و انتخاب می باشد. اما نکته  
اینجاست که این سیستمهای مختلف  
که در دسترس ما قرار داده شده هدف  
بلکه نقطه وسیله است - ما سازیم  
است که تصمیم بگیرد آیا رنگ باید  
بکار برد یا نه، و آیا صحنه ها را در  
روی پرده معمولی باید نشان داد یا  
بتوسط سینما سکوپ، برخی از فیلم-  
سازان، اکثر آمریکایی ها، رنگ  
را فقط بخاطر رنگ بکار میبرند در  
نتیجه آمی آنها خیلی آمی، قرمز  
آنها خیلی قرمز، و زرد آنها خیلی  
زرد است استعمال فیلم رنگی  
توسط آمریکایی ها غالباً فیلمهاشان  
را از بازارم دور می کند ولی برای  
من در تکه هم میتواند سوسه خود  
وسيله ای جهت تقویت و تسکین  
و التیوم باشد خیلی احسانه است  
که از این راه سیاه و سفیدشان دهیم -  
اگر میخواهیم یک پرتره واقعی از





این کشور عرضه کنیم، باید دست  
آویز رنگ شوم تا آفتاب در نشان  
و مناظر بدیع آرد آنطور که هست  
نمایش دهد در این باره خود و سبب  
ایست برای ایجاد روالزم - فیلم  
بدی من ساه و سفید خواهد بود و  
من مطمئنم که نمایش از مشاهده آن،  
پامن همبند خواهد شد که کار  
پردن رنگ برای آن، کار بسیار  
فایز دانه ای می توانست باشد  
همین نظر را درباره سینما -  
سکوپ و سینماهای دیگر برده  
هر چند دارم بکار بردن سینما - سکوپ  
بخطرسینما سکوپ کار صحیحی  
نیست. این طریقه اگر در مورد و  
محل مناسب مورد استفاده قرار  
گیرد بسیار خوب خواهد بود.

بنظر من چنین می رسد که ستاره  
سکوپ دست کم برای آثار فانتاز  
شیک (موزیکال ها، وسترن ها و  
فیلم) طریقه عالی است. کسی چه  
میداند، شاید بکرو (من هم تصمیم  
بگیرم که یک فیلم وسترن حاوی یک  
هفت ششول کشتی و قتل و غارت  
تهیه کنم) در آن روز مسلماً از سینما -  
سکوپ استفاده خواهم کرد!

با این حال، این مسائل از نظر  
من بی اهمیت هستند بطور خلاصه  
بگویم که یک داستان خوب را در روی  
نوار ۱۶ میلی متری بیشتر می بینم تا  
یک فیلم رنگی سینما سکوپ که حاوی  
عضون احمقانه ای باشد.

- ممکن است طریقه فیلم سازی  
خودتان را تشریح کنید!

- مرحله مهم کار من قبل از  
هروع نیامبرداری است همه مسائل  
را در این مرحله باید توجه کرد و  
پرورش داد. سناریو، دکور و بازی و  
غیره باید نوشته و حلای شوند.  
آنوقت باید به خلق قبلی آنسرها  
پرداخت، من این کار را با کمک  
واحد فیلم برداری، هنرپیشه ها،  
فیلم بردار و غیره، انجام می دهم -  
غالباً قبل از تهیه هر فیلم عکسهای  
متمددی از لوکاسیون ها و امکنه ای  
که محیط فیلم مرا بوجود خواهند  
آورد شده بر میدارم (من یک  
آمانور هنر عکاسی هستم مثلاً میدانم  
نوری که عکس الان بر صورت من  
آفتاب است تا برای مجله شما عکس  
تهیه کند اما من نمی خورد و مرا  
و مشتاک نشان میدهد) بعد این  
عکسها را به همه افراد واحد تهیه  
فیلم شان میدهم و درباره آنها  
بحث می کنیم، آنچه برای من مهم

است اینست که همه این افراد باید  
محیط و آنسرفیلم را دوست داشته  
باشند اگر این صمیمیت، این حس  
عشق و علاقه نسبت آنچه که در  
ایجادش می کوشند وجود نداشته  
باشد هرگز نخواهند توانست در کار  
تهیه فیلم با من همکاری کنند - این  
عشق و علاقه همواره باید وجود  
داشته باشد (به هسرس نگاه بر  
ملاطفتی کرد و ادامه داد عشق برای  
من خیلی مهم است. اگر عشق وجود  
نداشته باشد انسان حس میکند که  
چیزی در زندگی کم دارد.)

بطور کلی همه این کارهای  
مقدمانی باید انجام یافته و مسائل  
تکنیکی باید حلای شود و آنوقت  
می وان کار عملی فیلم برداری را  
آغاز کرد. اما احساسات انسانی  
فیلم فقط با بازی آکتورها بوجود  
می آید. اینها را قبل از اینست  
آورد بلکه تنها می توان موارد آن  
را پیش بینی نمود.

در فیلم آینده ام سکانس مهمی  
دارم که طی آن یک کشتی آتش  
میگیرد کاپیتان کشتی مایل است که  
کشتی غرق شود اما پس از مشاهده  
فداکاری عجیب جاشوان و ملوانان  
کشتی که با نهایت جدیت در نجات  
آن می کوشند تصمیم عوض می شود.  
دکوپاز این سکانس را که یکی از  
مشکلترین و در عین حال مهمترین  
قسمت های فیلم من است دیشب تمام  
کردم.

از جالبند شد و از اطاق دیگر  
اوراق دکوپازش را آورد و چنین  
ادامه داد.

- ملاحظه میکنید که دکوپاز  
بدقت تنظیم شده است. نمایش

متوالی چهره های ملوانان مختلف  
و کاپیتان کشتی و همه نکات دیگر  
به تفصیل در اینجا شرح گردیده و  
معین شده است ولی - سکانس های  
دیگری هم دارم که در آنها احساسات  
انفرادی و شخصی و مسائل انسانی  
که برای یک فرد پیش می آید وجود  
دارد. دکوپاز این قسمت ها را قبلاً  
تنظیم نمیکم. یاداً که جلوی دست  
و بال آکتورها را که باید هر چه  
بیشتر در ترجمه و انتقال این احساسات  
بکوشند بگیرد به عبارت دیگر غالباً  
در واردی که بازی هنرپیشه پیش  
از هر عامل دیگری در یک صحنه  
معین اهمیت دارد بدین ترتیب عمل  
می کنم: بدون آنکه قبلاً دکوپازی  
تهیه کرده باشم دکوپاز را خلوت  
میکم و از هنرپیشه می خواهم که آن  
صحنه را آنطور که در سناریو خوانده  
بازی کند. اگر او در موقع بازی این  
صحنه فرضاً روی فلان صحنه ای نشست  
من باین نکته هدایت می شوم که او  
احتیاج باین کار را حس کرده است  
سپس، نظریات خودم را هم باشیوه  
او خلوط کرده و در مواردی که  
اشتباهاتی در کار او وجود دارد آنها را  
تصحیح نموده و سپس دکوپاز آن  
قسمت را در همان دکور می نویسم و  
اقدام بفیلم برداری از آن می کنم.

- آیا این شیوه، کنا بیش می  
همایست به روش استلا نیلاوسکی  
در تاتر نیست؟

- شاید چنین باشد و قدر مسلم  
آنکه به تا کید در تاتر هم فیلم کمک  
می کند بهر حال این مسائل عملی و  
بسته به سناریو هستند و نمیتوان با آنها  
عمومیت داد اما اگر بخواهیم کلی  
صحبت کنیم باید بگویم که در میان



... و همسر من از اینکه در این فیلم با هنرپیشه های زن  
چندان سروکاری ندارم بسیار راضی است!

کنا. گردانان سینما روش آفتابی  
زان در نوار را بیشتر ادهم می بینم  
و طرز کار من درد کور هم می شباهت  
بسیک عدل او نیست.

ساکت شد. اوراق دکوپاز را  
بادقت و وسواس عشق آلودی جمع  
کرد و سر جایش گذارد و در بازگشت  
باز بسراغ قفسه ملوانان از خطی های  
نوشیدنی رفت! بهر حال آخرین  
سؤال هم می بایست مطرح شود!  
- ممکن است درباره فیلم  
آینده تان توضیحاتی بدهید!

- فیلم بعدی من «Levent se leve»  
نام دارد. داستان مرد چهل و پنج  
ساله ایست که مثل همه مردم از شغل  
فعلی اش، ناخدا می یک کشتی کوچک  
خته شده و دلش می خواهد به شغل  
دیگری روی کند. بیشتر ترجیح  
می دهد که بکار واردات و صادرات  
بپردازد و پول بیشتری، پول خیلی  
فراوانی، بدست آورد. این سره  
با دخترکی بیست و سه ساله که در  
«حران جوانی» خویش است  
رو رو میشود. پدر و مادر دخترک  
در چاک کشته شده اند - یک برادر  
بیش ندارد و ترونی هم که داشته اند  
بیادرفته - ایندو بیکدیگر برخورد  
میکنند و عاشق میشوند. دخترک که  
همواره کتابهای فرانسوازا ساگان  
را می خواند در بگریستن نزدیک کسی  
هم از ایده های آثار این نویسنده  
بقرض میگیرد و از دریچه مسادیت  
به دنیا نگاه میکند ایندو با هم فرار  
میکند و زن که کاپیتان کشتی خود را  
فرق کند تا با پول گراف بیه که  
بدست خواهند آورد بانجام نقشه های  
خود موفق شوند.

اما در دین نگاه داستان،  
کاپیتان از فرق کشتی خود داری  
میکند و سر انجام حوادثی اتفاق  
می افتد که ایده اساسی فیلم را ظاهر  
میسازد. مرد چهل و پنج ساله و دختر  
بیست و سه ساله در می یابند که زندگی  
آن چیزی نیست که آنها تصور  
میکردند و راه های بهتر و منطقی -  
تری برای خوشبخت (بستن و جود  
دارد از حالا بشما اطمینان میدهم که  
پایان فیلم امید بخش و صامتندانه  
است.

- آیا فیلم در واقع حمله ای به  
فرانسوازا ساگان هم میتواند محسوب  
شود؟



## پیتشایونارا



ماژور گروور	ه'راون براندو
ایلین وبستر	پاتریشیا اونز
هانائوکی	میکوتاگا
ناکامورا	ریکار دو مونتاپان
کلی	ردیوتانز
ژنرال وبستر	کت اسمیت

\*\*\*

تهیه کننده	ویلیام سوارز
کارگردان	جوشو آلویمان
آهنگار	فرانز واکسمن

تکنی رامان - آتی کالر - محصول کمپانی وارنر

۱- وقتی که شعله های جنگ در کره شمالی زبانه میکشید، ماژور «لوید گروور» يك-لمبان جت آمریکائی، بژاین فرستاده شد تا برای مدتی دور از فوغای جنگ، بهودی قبلی خویشرا بدست آورد. مقصد او «کوب» بود، جائیکه ژنرال «وبستر» بدرمشوقه آمریکائی اش شغل مهمی جزو هفت هواوردی برایش در نظر گرفته بود بدون اطلاع «گروور»، همسر ژنرال، خانم «وبستر» و نامزدش «ایلین» از آمریکا بوسیله هواپیما عازم ژاپن گردیدند. ایلین دختری زیبا، ذرک و ذرک و وادار که بی پروای بجزوانی از نیروی هوایی عشق میورزید خجلتی در خود حس نمیگردد.



۳- ماژور گروور از ازدواج کاتسومی با کلی راضی و خشنود بنظر میرسد اما از است نزاع با ایلین تشویش عجیبی داشت حتی به ژنرال و خانم وبستر گفت که قصد دارد نامزدیش را با ایلین بهم برسد. چندی بعد، گروور کاپیتن بلی را در بار ملاقات کرد و بعد از ظهرها بانفاق گذرانید در همان بعد از ظهر بود که او برای نخستین بار «هانائوکی» را دید. دخترک سن سار در قاصه های ماناسو با بانشی برجسته بود. قاصه های ماناسو با بانشی در نشانر، بشنهایی زندگی میگردید و باد نیای خارج قطع را هه داشتند. گروور در همان ظراول، فهمید که به هانائوکی سخت علاقمند شده است حتی اغلب بعد از ظهرها را کنار بلی که او بتانر میرفت گذراند ولی قوانین ماناسو با بانشی اجازه نمیداد دخترک کلمه ای از عشق خود با جوان بیبار آورد. اما، کهک همسر کلی «کاتسومی» که همه دختران نشانر را می شناخت آنها را بکس بگریزد و ساعت هانائوکی برای شام بمنزل کلی آمد، همانجا بود که اعتراف کردی هم عاشق شده است.

۲- در سفر ژاپن، ماژور با هواوردی بنام «جو کلمی» همراه بود، کلی قصد داشت از اعضاء کنکره برای ازدواج با «کاتسومی» يك دختر شیرین و زیبای چهاره ژاپنه مساعدت کند کوشش گروور برای انجام ازدواج آن دو نمری نبخشید حتی وی ناظر بنظره دلخراش بود بدین نحو که کاپیتن «بلی» هم نتوانست رفته ژاپنی اش «فومیکو-سان» را با خود بکلوب امران بیاورد. گروور از ملاقات با ایلین چندان خرسند نبود او درستی میدانست سلیقه اش با ایلین در مورد تشکیل خانه و زندگی بکنواخت نیست. آتش در نشانر کابوکی نایش اجرا میشد که همه بازیکنانش مرد بودند. گروور و ایلین در آنجا «ناکامورا» يك آکتور زیبا و مشهور ژاپنی آشنا شدند و نگاههای پرشور ایلین با «ناکامورا» موجب نگرانی و عصبانیت گروور گردید.



# پشت پرده سینما



طرح لباس (والتر پلونکت) و (فیتز تلمار این) در حال بازدید لباسی که برای (الیزابت تیلور) آماده کرده اند

## طرح لباس

یک روز بکر از کارمندانی که در تهیه فیلم سهم بسزایی دارد (طراح لباس) است که مسئول مطالعه در فرم لباس زمان وقوع داستان و طرح تهیه آن برای هنرپیشگان فیلم میباشد اوست که با انتخاب رنگ و نوع پارچه باصالت فیلم کمک مینماید (والتر پلونکت) طراح لباس فیلم (منطقه رینتری) بهترین وجهی باین امر موفق گردید.

بامهارتی که بآمیختن پارچه و رنگها برای تهیه لباسهای این فیلم از خود نشان داد ثابت کرد که کار انجام شده بدست او از هر جهت کامل و در حرفه خود نیز برتر از دیگران است.

دابل برتری (پلونکت) بر همکارانش طرح لباس زیبایی برای «الیزابت تیلور» بود که با تهیه آن شخصیت و زیبایی او چند برابر گردید.

بصورت لباسهای مؤرد نظر در آمدند بعد از اندازه گیری و تغییر و تبدیل و آزمایش رنگ هر لباس قبل از فیلمبرداری اسامی گسائیکه بایستی از آن لباسها استفاده نمایند در روی هر کدام نوشته شده و تا موقع احتیاج بایگانی گردید.

گرچه مطالعه در فرم لباس دوران گذشته کار مشکلی است ولی «پلونکت» که طرح لباسهای فیلم «برناردین» بدست او صورت گرفت و در طرح لباس مردم مناطق شمال و جنوب قبل از فیلمبرداری از داستان «منطقه رینتری» اطلاعات کافی داشت مسئولیت طرح لباسهای این فیلم را بعهده گرفته و با استادی خاصی از عهده انجام آن برآمد.

## گریم

ضبط تصاویر زیبا از هنر - پیشگان، بستگی کامل به گریم ایشان دارد که توسط «گریور» انجام میگردد.

بغیر از مواقعی که احتیاج به تغییر قیافه هنرپیشه باشد او کوشش میکند که ضمن گریم اکتور را طبیعی نماید و در موقع ضبط تصاویر بروی نوار حساس فیلم کوچکترین تغییری حاصل نکند.

نوعه کاملی از پیشرفت این هنر در فیلم «منطقه رینتری»

بچشم میخورد و آن دو «کلوز آپ» از هنرپیشگان محبوب «الیزابت تیلور» و «ادوا مری-سنت» است. ما مشاهده این دو «کلوز آپ» بیننده متوجه مهارت «گریور» های زر و مردی میشود که در کارخانه «مترو کلدوین مایر» مشغول فعالیت بوده و تا بلوغهای زیبایی بدو ستاداران عرضه مینمایند.

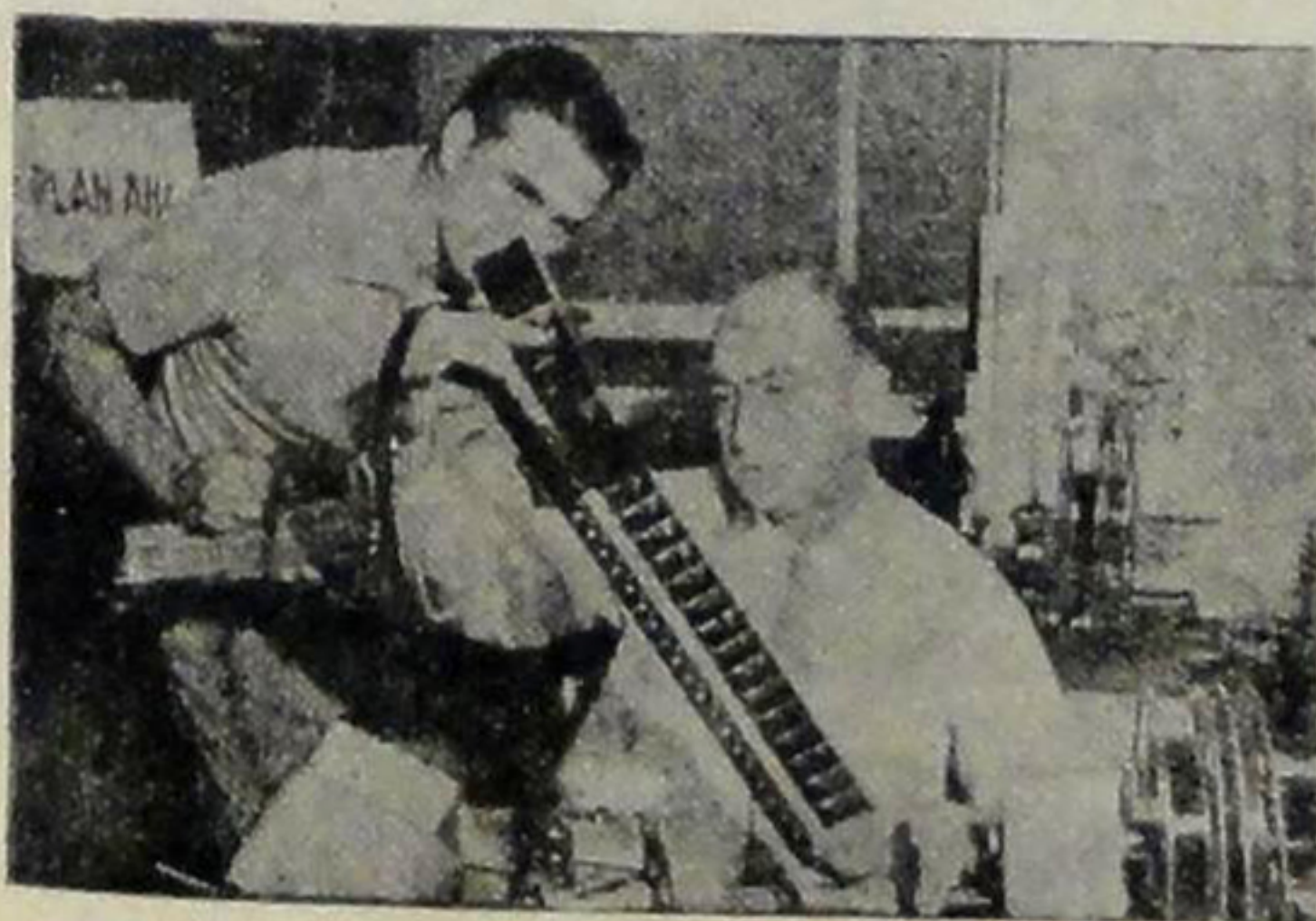
«بیل تانل» رئیس قسمت گریم کارخانه «مترو کلدوین مایر» ابتداء بوسیله آبرنگ تصاویری از هنرپیشگان تهیه نموده، شخصیت آنها را در فیلم در نظر گرفته سپس درباره قیافه و گریم ایشان تصمیم میگیرد.

با تجربیات کافی که از مطالعه سناریوی «منطقه رینتری» بدست آورد، توانست مووریش هنر - پیشگان را بفرم مردم سال ۱۸۶۰ آرایش نماید.

«تانل» برای صحنه های اول فیلم تعدادی تابلو و برای سکنس های جذت تابلوهای دیگری نقاشی نمود که در آنها ریش ابوه هنر - پیشگان بچشم میخورد.

سپس از روی تابلوها هنر - پیشگان را گریم نمودند.

بوسیله تابلوها و قالبهای از صورت هنرپیشگان «تانل» و هیئت



«جان داینث» مونتور و «جری برادی» همکارش مشغول مقایسه فیلم ۲۵ و ۳۵ میلیمتری برداشته شده از یک صحنه میباشدند



گریم استودیو گریم بهای را شروع  
و هنریشان را برای فیلم برداری  
آماده کردند

معمولا در بیشتر استودیوها  
فالمای بلاستکی تو خالی با  
خطوط کامل چهره هنریشان در  
اختیار گریورها قرار میگردد تا از  
روی آن راحتی بتوانند کار گریم را  
ایجاد دهند قبل از فیلم برداری «ناتل»  
با کارگردان هنری فیلم «مک کلری»  
و طراح لباس «پلوتکت» و متصدی  
آرایش مو «سیدنی گوئی لاروف»  
طی جلسات متعددی بحث در امور  
مربوطه را شروع و اشکالات کار را  
باید بگر بر طرف نمودند

گریم چندصد نفر هنریشه که  
بایستی در صحنه های فیلم « منطقه  
رینتری» ظاهر شوند، بدست هیئت  
گریم و تحت نظر «فرانک لارو»  
صورت گرفت  
هنگام فیلم برداری صحنه های  
چنگ در محل وقوع داستان آقای  
«لارو» و همکاری برای جلوگیری  
از تفسیر گریم هنریشان در صحنه -  
های مختلفه مجبور شدند لوازمات  
کلرا برداشته و بآنجا مسافرت  
نمایند ضمن فیلم برداری صحنه های  
بیرد مجبور شدند دوبار فیلم برداری  
و متوقف سازند

مرتب اول بعلمت ریش جدید  
«لوتی مروین» و بار دوم برای ایجاد  
مواد منفجره و آسیب صورت یکی  
از اکتورها، که خوشبختانه صدمه  
بباری وارد نگردید

کارگردان فیلم برداری  
کارگردان فیلم برداری با  
سینما تو گراف، شخصی است هنرمند  
و دانشمند

او هنرمندی است دارای قدرت  
خلاقه، با احساس و موثر شخصی  
است با اطلاع از تکنیک، دوربین،  
عدسی، فیلتر، فیلم و ربط آن  
بانور سایه، تصویر و حرکت او است  
که با اطلاعات خود درباره سینما و  
کمک کارگردان فیلم خجالی آماده  
نمایش مینماید

در حقیقت ما آنچه را که  
چشمان او میبندد در روی پرده سینما  
مشاهده می کنیم

کارگردان فیلم برداری فیلم  
«منطقه رینتری» که توسط تهیه  
کننده «لویز» انتخاب گردید  
«رابرت سورتس» میباشد

سرپرستی فیلم برداری از  
داستان «منطقه رینتری» با دوربین  
سینماسکوپ ۶۵ میلیتری و فیلم  
رنگی مخصوص آن تاکنون مورد  
استفاده قرار نگرفته بود موجب  
امتیاز او بر سایرین گردید  
«سورتس» فیلم بردار کار  
آزموده ایست که بیش از سه سال  
تجربه در کار خود دارد و همیشه  
از دوربین تحت اختیارش بعنوان  
«قلم موی آهنن من» یاد میکند  
او تاکنون دو مرتبه بعنوان  
بهترین فیلم بردار از طرف آکادمی  
سینما تو گرافی انتخاب گردیده



(ویلیام تامل) رئیس قسمت گریم کارخانه (مترو گلدوین مایر)  
مشغول نشان دادن (ماسک) صورت (مونتگمری کلیفت) به (اوان  
مری - سنت) میباشد

«ادی فلیپس» نیز یکی دیگر  
از اعضاء هیئت فیلم برداری بود  
که در کار دوربین و نگاهداری  
جدول روزانه فیلم برداری کمکهای  
شایانی نمود

و بالاخره «سورتس» با آزادی  
که در خلق صحنه های فیلم داشت  
توانست با کمک نورو «کپوزسیون»  
فیلم برداری «منطقه رینتری» را  
باموفقیت پایان رساند

### مونتاز

مونتاز فیلم «منطقه رینتری»  
توسط «جان داینک» عضو انجمن  
سینما تو گرافی امریکا و همکاری  
«جری برادی» انجام پذیرفت  
«جان داینک» یکی از  
مونتورهای با سابقه هالیوود است  
که طی سالهای متعددی در کار خود  
تجربه کافی کسب نموده و امروزه  
یکی از بهترین مونتورها بشمار  
میرود

«جری برادی» نیز با وجود  
سن کم در کار مونتاز فیلم پیشرفت  
فرادانی نموده و آینده درخشانی  
برای او پیش رو می شود (ناتل)

دفعه اول برای فیلم برداری  
رنگی «کیچهای حاضر سلیمان» و  
بار دوم برای فیلم برداری سیاه و  
سفید «زیبا و بدسرشت»

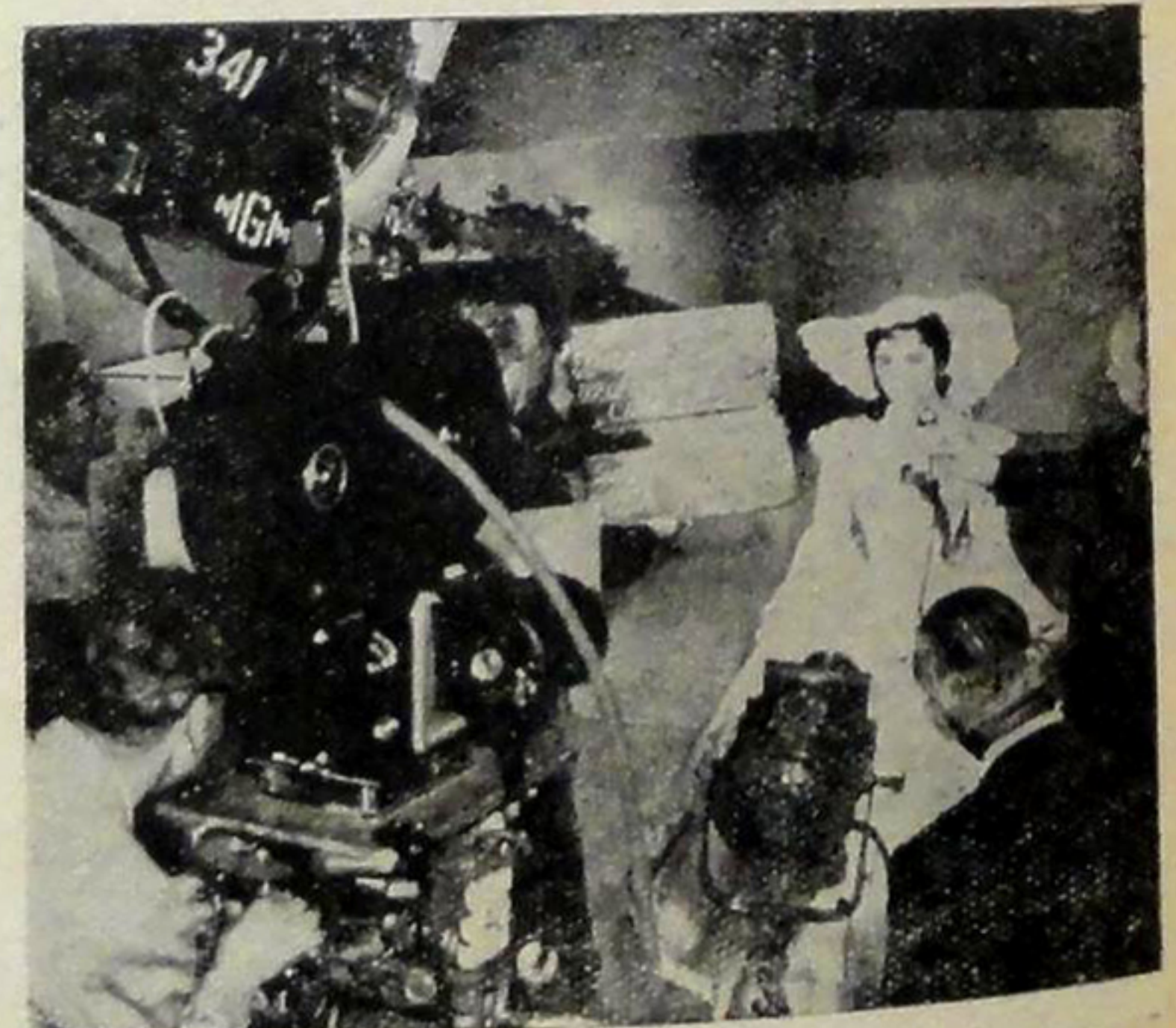
«سورتس» عضو با سابقه  
انجمن سینما تو گرافی «آ-اس-سی»  
نیز میباشد، یکی از فیلم برداران  
ماهری است که در کارش پیشرفت  
فراوان نموده و در زمینه سینما  
مطالعات دامنه داری دارد

بندرت اتفاق می افتد که کار  
گردان فیلم برداری شخصا فیلم  
برداری نماید

برای تهیه فیلم « منطقه  
رینتری» «سورتس» بوسیله  
یک هیئت فیلم برداری همراهی شد،  
همکاران او همگی از جمله کسانی  
بودند که در کار خود تجربه کافی  
داشتند فیلم برداری اصلی توسط «دیل  
دورمن» انجام گرفت

کار اوضیط تصاویر بروی  
نوار حساس فیلم تحت سرپرستی  
«سورتس» بود

میزان کردن عدسی و «فرد  
کوئنه کپ» همکار «دیل»  
واگذار شده بود



«رابرت سورتس» کارگردان فیلم برداری مشغول اندازه گیری  
نور صورت «الیزابت تیلور» میباشد



# (سر کارولرید) ... و نخبایی از کار سینمایی او

ارزش اصلی فیلم را میتوان در آن فصاحت و بلاغت حماسی دانست که در نقطه «اوج» دمطروود جزایر» با خطابه ای حاصل می شود. این خطابه که «لینکارد» بدان «ویلمز» را محکوم میسازد با جمله «توتک منی» «اوج هیجان خود میرسد. این کلمات جزو رفیع ترین سخنانی است که تاکنون روی پرده سینما ادغام شده است. نحوه بیان «نرود» هوارد» و «رالف ریچاردسون» همه نهایت و دقیق مکالمات اثر «گورنارد» را نهفته دارد.

سه تن غالباً از «تداخل» بیشتر صوت سبلیک آن را در نظر دارند و مایلند که از اطلاق یا تحویل تصویری بر تصویر دیگر مفاهیم نهفته ای، سبلیک های استخراج کنند ولی «رید» با «تداخل» های خود بیشتر نظر بر نهایت درونی و ترکیب کلی هر صحنه دارد و مایل است که بکند تداخل این حالت و هیجان درونی یا ترکیب اساسی هر صحنه منفرد و موکدانه نشان دهد.

بدین دور بین فیلمبر داری در فیلم خود وارد می سازد و با آنکه از وجود کودکان، در اثر خویش این قصد را دارد که محیط مادی و جسمانی دیگری، محور وجود دیگری بجز چند کار اکترا اصلی فیلم ایجاد نماید؛ بین «سبولیزم» و «دیتر میترزم» (فلسفه «جیر» و «مبارت دیگر مقهور بودن بشر در مقابل سر نوشت و عوامل محسوس و نامحسوس آن) همیشه ارتباط روشنی موجود بوده است و وقتی که ما ساختن سبلیک فیلم های دیتر میترزم (آنازی که در آن از عاجز بودن بشر در مقابل قدرت های خارجی و سر نوشت خویش گفتگو میشود) مشهوری مثل «مادر»، «حرم»، «دکن»، «فرزند وطن»، «مکانی در آفتاب» و «خانم ناشناس» (مادام دو) را در نظر بگیریم متوجه می شویم که عقیده «رید» مسئولیت اخلاقی و عبارت دیگر فلسفه «اختیار» وی تا چه حد با تکنیک کار وی مطابقت دارد زیرا وی با اعتقاد باینکه انسان مجبور نیست بلکه مختار است و در هر عمل مسئولیت فردی دارد در آثارش نیز از سبلیک «انسان» زیاد استفاده می کند و بخصوص تاکید افراط آمیزی بر خصوصیات و امکانات روحی و جسمی کار اکترا های اثرش خیلی مشهود و آشکار است، نتیجه این واقعه که بسبب کار رید و فلسفه فکری خاص او بسنگی دارد اینست که میشود «رید»

را احتیالاً، «سازنده ترین» و «هنر پیشگان در جهان سینما دانست» با روی پرده آمدن «مردی از برلن» در ۱۹۵۳، لطمه ای بکار هنری «رید» وارد آمد. زیرا که این اثر تقلیدی سانتا تال از شکواییه ای بود که در «مرد سوم» بر علیه جهان و موجودات ابرار گذشته بود. اگر صحنه وقوع ماجرای در «مرد سوم» وین تقسیم شده بود در «مردی از برلن» این صحنه «برلن تقسیم شده» منتقل گشته بود، شهری که نشانه هارچک سه در آن روشن تر و محسوس تر مشاهده میشود. بهر حال تقابلی در ساختن محسوس در سناریو، به تکنیک این اثر «پلیسی - جنائی» شگرف «رید» صدمه ای شدید وارد می آورد. نیه ول فیلم «مردی از برلن» پروراندن «ایات» یک زن مرموز و خبیث (که رلش را «هیلدگارد» نام میزند) فیرقابل تفحص و تشریح بازی میکند) میشود، زنی که در صحنه های بدبکده فمه صورت هم وفاداریک مازدر انگلیسی تقلیل شخصیت میدهد بعد از اینکه اساس رزور از بدین نحو در فیلم بهم می ریزد، ماجرای تفسیر شکل میدهد و این مارشک شدیدیک مرد وزن محور اصلی فیلم قرار میگیرد مرد یک آلمانی فرصت طلب و ذریک است که از آلمان شرقی قصد فرار و پناهندگی شدن به نمات و برکات آلمان غربی را دارد وزن، یک دختر انگلیسی (نه بی پناه و تنهاس، بلکه دارای انکا و صاحب حامیان متعدد) است که این جرئت را دارد که تخیلات و تصورات رمانتیک خود را بصحنه واقعت منتقل سازد آخرین صحنه فیلم، در آنجا بیکه مرد فخرمان ماجرای در مرد زنا بیه غری بران قسمت تصرفی شود وی هدف گلوله فرار گرفته و از پا در می آید. زیبایی شاعرانه خاصی را داراست برای یک فیلم برجسته تر و بزرگتر، می توانست با بان کالاشایسته و مناسب محبوب گردد.

«رید» برخلاف سایر کارگردانی که با او از نظر مراتب هنری در یک ردیف قرار دارند سبلیک را زیاد آزادانه بکار نمیگیرد گرچه در هر صحنه و تجسم بیکر های انسانی، بخصوص کودکان بوضعی «سیم سبلیک» استعداد و توانایی خاصی دارد. در «مطروود جزایر» یک بیچه بومی شیطان، بیرحمانه «ویلمز» را در خشکی و در باد نیال می کند. در «مرد سوم» کودکی بد ذات با شیطان «مارتینوز» را قائل معرفی میکند ... و باز در «بنجه عدالت» گروهی از اطفال ولگرد صحنه قتل تکمیل بانک را بدست «جانی مک کوئین» ضمن بازی کودکان خود در خیابان تکرار میکنند. بهر حال، نمی توان قطع و یقین گفت که «رید» سبلیک «کودک» را برای کدام یک از دو منظور زیر بکار می برد: آیا وی «کودک» را فقط بعنوان وسیله ای برای ابداع و ایجاد زوایا و حرکات خاص و

## از شماره آینده

نوشته جدیدی از حسین مدنی بنام

# شبیه کار مر یخ!

شروع خواهد شد ...

نقص اصلی تکنیکی کار «رید» در این فیلم، آشفتگی زمینه وقوع ماجرای یعنی جزیره «سیلان» و صحنه مانی بود که ترتیبش را در استودیو داده بودند. بکند یک موتاز استادانه و بدون استفاده از فیلم برداری مداوم! «رید» با تیر تمام صورت واقعت و تداوم «مقطع» اثر خویش را حفظ میکند ولی در عین حال نمی تواند کامل و صحیح ان سفر واقم و اصیل داستان را ایجاد نماید، ان سفری که وی قبلاً بدان وضع خیره کننده در «بنجه عدالت» و «مرد سوم» موجود آورده بود. به «رید»، بخاطر مصنوعی ساختن صحنه هایی که کشتی در حال گیر می افتد نمی توان بطور منطقی ابرار گرفت. پس این نکته، نقص فیلم او نیست بخصوص آنکه وی این حادثه ضمنی را با چنان مهارتی روی پرده آورده است که مولد هیجان شدیدی می گردد. بجز این تقیعه در موارد دیگر تکنیک کار - کردانی «رید» بسیار در خورد توجه است خصوصاً در آن صحنه هایی که بکند «تداخل» های (DISSOLVES) بطش شور عشق «ویلمز» و دخترک بومی را نسبت بیکدیگر نشان میدهد. اما «تداخل» های «رید» با تداخل های «جورج اشینوس» و «دیوید لین» و «ماکس افراوس» تفاوت دارد، این



# داستان عکسها

روفا ...

آرمان - دانشور - رنوفی ...

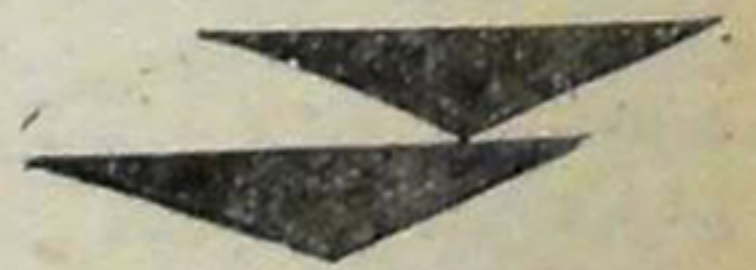


پینه دوز !



وحوش !

ناصر ملک مطیعی ...



ژاله و محتشم ...



توقیف !



خونگذرائی !



«تویسکر» یکی از افراد اسای  
 و او کیناواست. ولسی در آنجا  
 دیگر کسی با اشخاص مشهوری چون  
 برزیدنت ایزنهاور یا مالم بریلین  
 مولرو و برولیشود. بلکه یکمده  
 از مردم فقیر (با تروشنه فسوق  
 نمیکند) دور هم نشسته اند و نجاشی  
 جای خوش عصر پاس می نوشند و  
 لذت میبرند... همین ویس!



اما اینبار مسافر این قریه  
 کایتشی است جوان نام «فیس»  
 که در واقع از طرف کلنل پوردی  
 ماسورت دارد در وضع در هم و بر هم  
 اهالی آنجا سر و صورتی به هم نمیبیند  
 و به پهلوانان و دلبر دروغی، یک  
 ماجراجوی چون رابین هود نیست.  
 خیلی ساده تر باید گفت مرد ملایم و  
 دروغی است.

میکوبند فیس یکی فرد بد  
 اندیش، کیه جو و عصبانیت ولی  
 که میتواند باور کند؛ شاید از این  
 لحاظ که تا کون نتوانسته است  
 خدمت مهمی در ارتش انجام دهد،  
 کسی چه میداند شاید مدال «بدترین  
 کایتش نشون اشغالی» منطبق با او  
 باشد!



بگذریم، داستان از مرکز  
 فرماندهی ارتش ممالک متحده  
 آمریکا در اوکیناوا در سال ۱۹۴۶  
 شروع میشود.

کایتش فیس تنها نیست و  
 «سالی لی» هم با او همکاری میکند  
 ساگر لی دیگر نیست! او یک  
 اوکیناوائی اسپیل و مترجم فیس  
 در تویسکی است. همه عقیده دارند  
 ساگر لی جوان بدی نیست... ولی  
 همه مترقند که جوان خوبی هم لی-  
 تواند باشد!

در نخستین میننگ عمومی،  
 هدایای زیادی به فیس تقدیم  
 کردند. این هدایا، «لاتوس لازم»  
 یک دختر زیبا روی زاپش هم دیده  
 میشد.

هم او بود که حسن حسارت سایر  
 زاپهای قریه را برانگیخت! لیکن  
 مسئله بفرنج با سالی حل شد. فیس  
 از دخترک حواست که قواعه دمکراسی  
 را بسیارین بیاموزد. آنها تصمیم  
 داشتند قهوه خانه ها را به مدارس،  
 جایگاه تعلیم و تربیت تبدیل  
 سازند.

از طرفی فیس عقیده داشت  
 بایستی مردم از منابع دینی و معنوی  
 تشویق و استقبال نمایند.



هنوز در خصوص کشاورزی و توسعه باغات و باغچه ها پیشرفت نشده  
 بود که تشکیل «قهوه خانه» اکوست موند. قهوه خانه ها را نقش بر آب کرد،  
 شاید هم آنقدر که اهالی از تشکیل قهوه خانه اکوست موند خوشحال و  
 سرور شدند، مقامات ذمه صلاح و اشینگتن و کلنل پوردی دچار خشم و  
 ناراحتی گردیدند...

**یک اثر بی نظیر کمدی**

از شاهنامه «قهوه خانه اکوست موند» اثر جان پاتسریک که  
 جایزه «پولیتزد» بآن تعلق گرفته است در سال ۱۹۵۶ توسط تهیه  
 کننده نامی «جک کاسینگر» یک فیلم کمدی و بهترین بوجود آمده که در  
 همه جا با استقبال و تحسین مواجه گردید.

منتقد مجله «پیکچر گوئر»، خانم مارگارت هینکسن این فیلم را  
 یک اثر عالی دانسته و مدال افتخاری مجله خود «سیل آو مریت» را که در  
 این اواخر آثار زرکی چون «قول»، روح سن لونی داده است. بآن تقدیم  
 نموده و بر فرود ماسهای برانند و فرود را بی نظیر تلقی کرده است  
 و در نامه به پوردی هرال تریبون نیز در خصوص آن نوشت: «اثر کمدی  
 بی سابقه است که تا حال در تاریخ سینما بوجود آمده است»

**کارگردان واقعی**

«جک کاسینگر» برای کارگردانی فیلم «دانیل مان» را برگزید.  
 «مان» (با «دلیرت مان» و «آنتونی مان» دو کارگردان معروف  
 آمریکائی اشتباه شود) کارگردانی است که از تاثیر سینما آمده و  
 بهین جهت بر فرود ماس با بازیکنان فیلمهایش بیش از کسی و کوشش  
 خود او، مورد توجه واقع میگردد.

بنازکی دو اثر جدیدش «مال کلسرخ» و «فردا گریه» خواهم  
 کردم در دهر تهران دیدیم در فیلم اولی، بازی کیرا و جذاب آنامانیانی  
 نام کارگردان رانعت الشماع خوبش قرارداد داده بود و در اثر بعدی بر فرود-  
 ماس شکست «سوزان هیوارد».. اما اینطور بنظر میآید که قدرت کار-  
 گردانی «مان» دارد کم کم موقبت خاصی بدست میآورد. با آنکه  
 تنها در نتیجه کار آزمودگی یک کارگردان حیره، بر فرود ماس اکتور یا  
 اکتریسی جلب نظر میکنند، معذک نا قبل از تهیه «قهوه خانه اکوست  
 موند» نام این مرد که معرف هنریشکان و بازیکنان توانائی به او احواهان  
 سینماست در سایه باقی مانده و خیلی کم سینما رونده گانی بودند که اسم  
 او را می شناختند و با طرد کاش آشنائی داشتند.

فیلم «قهوه خانه اکوست موند» هم مثل همه فیلمهای «مان» قدرت  
 و برا در پروراندن پرسوناژها بخوش ثابت میکند. منتهای در طر این  
 فیلم، یک ناشایبی نکته سنج و دقیق میتواند توانائی کارگردان داد  
 حفظ و ایجاد تمایل بین بر فرود ماسهای برانند و فرود، ماشیکو کیو  
 و داستان جان پاتسریک و سایر اجراء فیلم درک کند.  
 یکی از منقدین درباره کارگردانی فیلم فوق نوشت: «دانیل مان  
 بعد از این بعنوان یک کارگردان واقعی عالم سینما نامبرده میشود»

**هر د هزار چهره!**

«مارلون براندو» در فیلم «قهوه خانه اکوست موند» دل یک

زاپش آلدبرگه. بنام ساگر لی  
 را همده داراست.  
 خودش میگوید «برای  
 ایفای چنین کارا کثر مشکلی تا  
 آنجا که توانستم نمیرین کردم و  
 اتفاقا نتیجه خوب هم گرفتم.  
 ساگر لی یکی از بهترین زاپهایست  
 که در هالیوود ایفا کرده ام

**قهوه خانه  
اثر کارگردان**





ذریع برای اولین بار روی پرده سینما در کاراکتر یک زن کبک  
ظاهر میشود!  
امروز دیگر ثابت شده که «براندو» مرد هزارچهره سینماست.  
کسی که در «انجمن» نقش یک کارگر لایزال و بی بندوبار  
در دهه باد زاپاتا، در یک مبارزه جوی مکزیک، در «جسولوس»  
مردی در یک سردار شجاع و غیور تاریخ، در «دزیره» در ناپلئون  
امپراطور و مظهر الشان فرانس، در «جوانان و غروسکان» در یک جوان  
مهاجر و خوش گذران و اماچنان مهارت و توانایی خاصی ایفا کرده  
بود، اینبار در نقش یک زاپاتی موذی و بدجنس میبایستی میلیونها شاگرد  
را بپندد بیدارد!

برای تغییر دادن چهره «براندو»، «ویلیام نائل» مدیر بخش  
آرایش و گریم هنر پیشگان کمپانی مترو، دست دوم نام دوی صورت  
وی کار میکرد تا عاقبت موفق شد بدخواه «دانیل مان» چهره این مرد  
را با کاراکتر «ساکوئی» زاپاتی شبیه سازد. «نائل» بعد از اتمام گریم  
به براندو گفت: «حقیقتا که اکنون عجبی هستی! چهره تو را با چهره موذنی  
که بخواهند میتوانند تغییر دهند»

**دور قیب و... اختلاف شدید!**

تا قبل از شرکت در فیلم «براندو» و «گلن فورد» دو دوست  
صمیمی و رفادار هالیوود محسوب میشدند ولی هنگام فیلم برداری چنان  
اختلافی بین آنها بوجود آمد که چند روز فیلم برداری را به تعویق  
انداخت.

همه ای معتقد بودند که علت این اختلاف بر سر نام آنها روی  
پلاکاردهای فیلم است. زیرا براندو هیچوقت حاضر نمیشود در فیلمی در  
دوم بگیرد و فورد هم با سابقه ای که در سینما و هنر پیشگی داشته با ابقای  
در دوم آنها از هنر پیشگی جوان و تازه کاری مثل براندو سخت ناراحت  
و معذب بوده است!

اما برخی چنین حدس میزدند که اختلاف آنها خاطر «ماشیکو کیو»  
ستاره زیبای زاپاتی است. فورد به ماشیکو علافتنه شده بود در حالیکه  
براندو او را با خود بگردش و سیاحت با اطراف دهان توییک می -  
برده است!

همین جریانات کوچک و بیش با افتاده موجب گشت که مارلون  
و گلن هیچکدام یک کلمه با یکدیگر صحبت نکنند و کار فیلم برداری را  
مدتی مختل سازند... چند روز بعد براندو ب خبرنگاری گفت:

«من گلن فورد را بهترین دوست خودم می پندارم برای اینکه  
اخلاقش از منم عجیب و غریب تر است! بجز آن میتوانم بگویم اگر  
گلن میگفت نقش اول را بجای من بپندد خواهد گرفت با کمال میل و  
دلبت می پذیرفتم... و با همین چند کلمه اختلاف شدید و کینه عجیب  
در قلب فیلم «قهوه خانه اکوست مون» نیز بر طرف شد!

**زیبای ناشناس!**

در «قهوه خانه اکوست مون» بعد از دو چهره بزرگ براندو و  
فورد، «ماشیکو کیو» ستاره زاپاتی لاسل دل مهسی را ایفا میکند.

ماشیکو را هالیوود به آنجلی  
زاین اسم نهاده اند و خود زاپاتیها  
او را هم تیب «گرنا کاربو» بحساب  
میا آورند. او چهره ای بسیار شیرین  
و نسکین دارد و با یک نگاه خود  
جوانان را دیوانه میکند. ماشیکو سی  
و یک سال پیش در ابلت «اسکای»  
توکیو چشم جهان نشود و ابتدا در

ستامون  
ف: دانیل مان



او را رقاب برداست. او از سال ۱۹۴۹ بازی در فیلم های مختلف  
پرداخت.

«دانشور» و «دروازه جهنم» دو اثر بزرگ ماشیکو در زاین  
محسوب میشوند. در فیلم «دانشور» نقش یک کورین یونان که شوهرش را  
یک قاتل سنگدل ترجیح میدهد و در «دروازه جهنم» در یک مشورت با  
و نارا بهترین وجهی ایفا نمود. موفقیت فیلم اخیر او در «فستیوال»  
های کان و نیز در «جایزه اسکای» که بعنوان بهترین فیلم خارجی ستان  
گرفت، ماشیکو را با بازیگران هالیوودی آنطور که باید شناساند و  
در نتیجه با فیلم «قهوه خانه اکوست مون» یک زیبای ناشناس زاپاتی چشم  
روح جهان و جهانیان را از یابی و هنر خود انسون و مسحور ساخت.

**پل فورد بجای لوئی کالهرن!**

نقش «گلن فورد» را کالینگر به «لوئی کالهرن» هنر پیشگی  
جدایی ناپذیر فیلمهای مترو کلدوین مایر معمول ساخت ولی هنوز چنانچه  
نقد در صفحه ۵۱





# مصاحبه کوتاهی با (کاری گرانت)

## هنرمندی که مایل است فقط یک درصد منافع فروش فیلم باو تعلق یابد!

( کار گرانت ) از جمله کسانی نیست که بر حرفی کند و یا درباره خود و هنرش گزاره گویی نماید ، بهین سبب نزد رفقا و همکارانش ارزش خاصی داراست .  
 بعضی اوقات که از او درباره ایفای نقش در فیلم سؤال میشود ، بلا درنگ در جواب میگوید « من - دوست دارم همیشه در فیلم ، بازی با صحبت توام باشد و از بازی صرف چند نعل خوشی ندارم - و او مگر نکند که آدم وسطه بازی هستم و میخواهم جای خالی بازی را با صحبت های بیپوده بر نمایم » ( گرانت ) شخص بدله گو و شوخی است ولی امروزه زندگی شخصی پیدا کرده و کارش کمی مشکل شده و وقت کارهای اضافی از جمله شوخی را ندارد ! عوش شدن راه زندگیست نه از لحاظ تصان بعضی چیزهاست بلکه متناسبت بازی با ( سوفیا لورن ) و ( دیورا کار ) و ( جین مانفیلد ) در چند فیلم مختلف است .

کمی مکث کرد و گفت : پر واضح است « کمندی » و ادای داد : ولی امروزه نویسنده کمندی خوب پیدا میشود ، بدبختانه از نوع فیلمهای کمندی قبل از جنگ نیز چیزی نیست . تمام نویسندگان ( لسنی ) امروزه بواسطه مشار زیاد زندگی که بروشان وارد شده عصبانی هستند ، آخر چرا باید اینگونه باشد ؟  
 ولی چاره چیست ، آنها هم حق دارند در دیوانی که زور و ( اسپونینک ) زیاد است هرگز نمیتوانند یک نوشته کمندی آنطور که باید و شاید شمارا بچندانند .  
 در اوقات مثنی کرده و نگاه عمیقی بین نمود .  
 و چنین گفت : بعضی اوقات حس می کنم که سبت بگذشته تغییر بسیار کرده ام ، همیشه میافزایم ،

آیا امکان دارد که بزمان قبل از جنگ برگشته و محیطی ایجاد کنیم که ستارگانی چون ( ویلیام باول ) ، ( جیمی استوارت ) ، ( میرنالوی ) و ( کارول لومبارد ) وجود آورد ؟  
 یکبار تصمیم گرفتم که از کار سینما کناره گیری نمایم و بقول عده ای باز نشسته شوم ولی بعد از چند ماهی استراحت متوجه شدم که من کارم را پیش از آنچه فکر میکردم دوست میدارم و علاقه مفرط من سبب شد که از کار هنر پیشگی بردارم ، خوشبختانه تهیه کنندگان نیز با این امر موافقت کرده و مرا برای بازی در فیلمهایشان دعوت نمودند .  
 سر موفقیتش را سؤال کردم ، گفت « آکتور با بستر در راه صحیح کام بردارد و راهنمایی های متعصبان امور را از جا بردول ببرد نه آنکه مانند کودکی گوش بهصایح مربی

نداده و همه راه صوابی نماید .  
 بنابراین اگر کسی توانست اینکارها را با موفقیت انجام دهد مطمئناً ستاره درخشانی خواهد شد .  
 برای هنر پیشه ای که خواهد ( هنرش ) را تبدیل به امکانات مادی نماید ، حداقل رعایت نسبه مذکور لازم و واجب است چه رسد به آنکه هنرمندی از احاطه هنری خواسته باشد پیشرفت قابل ملاحظه ای نماید .  
 ( گرانت ) با وجود ایفای نقشهای گوناگون در فیلمهای مختلف هیچوقت تحت تاثیر قرار نگرفت و اصولاً شخصی نیست که بخاطر فیلمی تحریر شود .  
 بهین مناسبت بلافاصله گفت :  
 در هر صورت هنر پیشه بایستی حتی حداقل - روستا را فرود در کارش راه نیاندازد .  
 بقیه در صفحه ۳۰



( کاری گرانت ) و ( اینگرید برگمن ) باتفاق در فیلم ( آقای مهربان )  
 عهده دار رلهای اصلی میباشند



# برنامه آینده سینما رکس سینما رونیال

يك شاهكار بزرگ ديگر از نابغه عالم سينما

ولت ديسنى

که پر ماجرا ترين و مبهج ترين فيلم قهرمانى هاليوود شناخته شده بنام

سرگذشت رابین هود رنگی

با شرکت:

ريچار دتاد

آکتوز مشهور انگلیسی

و ستاره زیبائی که برای اولین بار

توسط این فیلم در ایران معرفی

خواهد شد

جون رایس

سرگذشت رابین هود يك اثر بزرگ

قهرمانى است که تا کنون نظيرش در

ایران بروی پرده نیامده است



ADVENTURE'S  
FAVORITE HERO!

Excitement... romance...  
suspense—as the gallant  
rogue of Sherwood Forest  
storms the citadels of evil  
and the heart of a lovely  
maid!

Walt Disney's  
STORY OF

**ROBIN HOOD**

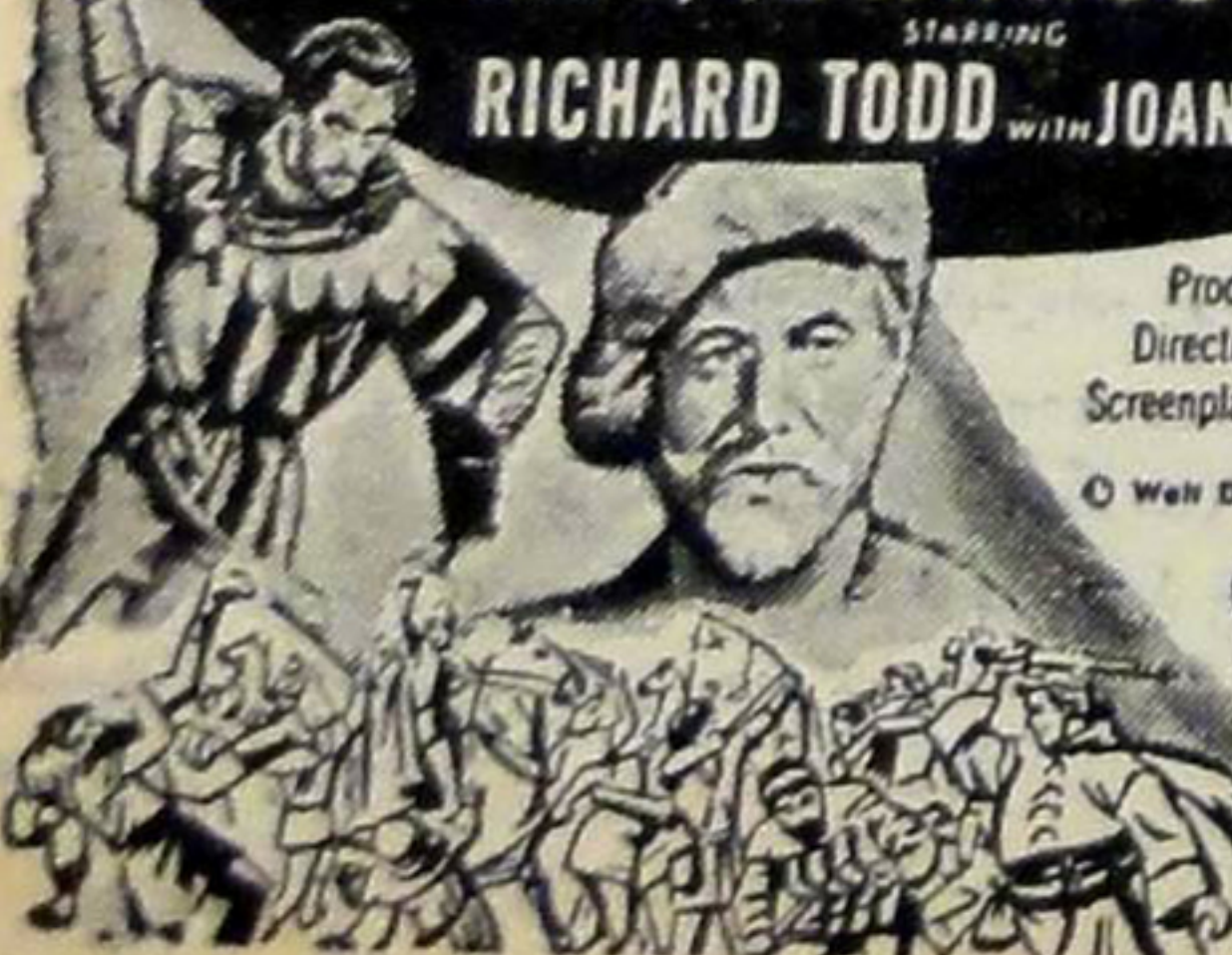
AN ALL-LIVE-ACTION PICTURE  
Color by **TECHNICOLOR**

STARRING  
**RICHARD TODD with JOAN RICE**

Produced by PERCE PEARCE  
Directed by KENNETH ANNAKIN  
Screenplay by LAWRENCE E. WATKIN

© Walt Disney Productions

Join forces with:  
FRIAR TUCK, LITTLE  
JOHN, ALAN-A-DALE,  
WILL SCARLET and  
ROBIN HOOD, himself.





# پاسخگلو

دوشیزه

**فخری مصطفوی**

خواننده عربی شما تنها کسی هستید که (اما تقاضای چاپ عکس (لئونورا روغو) ستاره ایتالیایی را نموده‌اید با وجود این

**آقای (آبادان)**

**علیرضا تخم‌ریزی**

فایده درآینده عکس‌ها روی جلد زیارت نمایند  
۱- خواننده عزیز مطمئن باشید که «آنها» کاری از پیش نخواهند برد و ما همچنان برای خود ادامه خواهیم داد -  
عکس «استواریت گریجر» را چندی قبل روی جلد مجله چاپ نمودیم  
۲- فیلم «مانع» سه کپی بود و یک کپی آن اطلق انگلیسی بود.

**س. علینقی زاده**

۱- مگر نشینده‌اید اینجا را کشور بلشو نام نپاوه‌اند... انتظار دیگری نداشته باشید  
۲- اغلب آنها (زیر نویس عربی) دارند  
۳- در صورتیکه بایکدیگر توافق اخلاقی داشته باشند مانعی ندارد

**آقای (آبادان)**

**برزو کیفری**

۱- تقصیری متوجه ما نیست  
۲- در فیلم (آب زیر کاه) اول اسم کلارک کیبل و سپس برت لنگستر نوشته خواهد شد  
۳- خواسته شما در شماره گذشته برآورده شده بود.

**آقای**

**آلبرت تورقانیان**

۱- از مارلون براندو فیلم «قهوه‌خانه اکوست مون» توسط شرکت دلارام خریداری شده و سینمای نمایش دهنده آن هنوز انتخاب نشده است  
۲- الکیمنوواک بزودی فیلم (پال جوی) توسط سینمای رکس نمایش داده خواهد شد  
۳- از مارلون براندو در آینده عکسهای جدیدتری چاپ خواهیم نمود.

**آقای**

**آبراساپیرو**

۱- اطلاع دقیق در این مورد ندارم میگویند دوشیزه است  
۲- هنگام نمایش یکی از فیلم هایش عکس‌ها را روی جلد چاپ خواهیم نمود منتظر باشید

**آقای**

**حسین خضرانی**

چند نامه شما را توانا پاسخ میدهیم  
۱- «مستر ابرتر» برای نمایش در ایران خریداری نشده ولی شاید بطور (تک خرید) بایران بیاید  
۲- از لحاظ تجارتمی «بند باز» از لحاظ هنری «از اینجا تا ابدیت»  
۳- اوآگاردنر و سوزان هیوارد از لحاظ شهرت در بکرتیف قرارداد دارند و بهترین فیلم «اوآگاردنر» بعقیده مجلس فیلم «چهارراه بودالی» بود

**آقای**

**مسعود فرهاد**

۱- تاریخ نمایش فیلم «غول» معلوم نیست شاید امسال نمایش داده شود  
۲- مقصود شما از فیلم «بوسه خولین» نفهمیدم زیرا مولن روز فیلسی باین عنوان ندارد  
۳- از کریگوری پک فعلا فیلم «مرد خاکستری پوش» در سینماهای مولن روز و کریستال نمایش داده میشود و داستان فیلم جنایت در سیرک توسط «پل فیکس» نوشته شده بود.

**آقایان (اصفهان)**

**قو کامیانیان**

**پطروسیان**

۱- در مقابل داندلف اسکات را در فیلم مزبور «جوسلین براندو» ایفا می‌نمود  
۲- دلبران بهترین فیلم جان وین بود  
۳- مریلین مونرو از سال ۱۹۴۷ و جین داسل از ۱۹۴۱ وارد عالم سینما شده اند در خانه از چاپ عکس ارسال می‌شود

**آقای**

**فرهاد رهبان**

۱- از فرناندو فلای فیلسی در تهران موجود نیست ولی درآینده فیلم «تمطیلات پاریس» اورا سینمای مولن روز به عرض نمایش خواهد گذاشت  
۲- بر سیده‌اید «آیا البرابرت تیغور از مایکل تار پلاق خواهد گرفت یا نه» جوابی ندارم  
۳- شاید ای بیش نبود

**آقای (اهواز)**

**هادی سکوندی**

۱- تمام استودیوهای آمریکا در هالیوود واقعند  
۲- شوهر فعلی پیر آنجلی «ویک دیسون» میباید و دلش هم برای «جینز» نیست  
۳- غیر از کلن فورده... آن فرانسیس نیز در فیلم «جنگل تخت سیاه» شرکت دارد

**آقای**

**مهدی ابراهیمی**

۱- از فیلم مزبور دو کپیه خریداری شده و البته پول دو کپی برداشت شده بود  
۲- برای تماشای فیلم «مرد آرام» چه مجله‌ای دارید انشاءالله سرفرصت تکرار خواهند کرد

**آقای (اصفهان)**

**اوانس هر و سیان**

ستاره فیلم «لاله صحرائی» آماناریا فرورد نامدار و از وی فیلم‌های دوشیزگان خوش گذران - مشوقه شاهین طلایی در تهران نمایش داده شده و درآینده عکس‌ها را بخاطرهما و دوستدارانش روی جلد چاپ خواهیم نمود

**آقای**

**محمد ناظری**

۱- تصمیم داریم تقویمی منتشر کنیم ولی قول نمیدهیم  
۲- درآینده عکس جین - مانسفلدر را روی جلد چاپ خواهیم نمود  
۳- آدرس سوفیالورن کمپانی پارامونت یا یونایتد آر تیستس میباید ولی جواب دادنش با خداست

**آقای**

**فرزین افشارطوس**

۱- تقاضای شما را درآینده انجام خواهیم داد  
۲- درست بخاطر ندارم ولی گویا مقصود شما «زاخاری اسکات» باشد از لطف شما متشکریم

## خوانندگان عزیز

برای اینکه بتوانیم مجله را بدو شما منتشر کنیم احتیاج نظریه شما داریم. بدین منظور از این پس در هر شماره جدول پرسش‌ها را مرتباً چاپ خواهیم نمود و از شما خواهشمندیم در هر شماره آنرا تکمیل نموده و برایشان ارسال دارید. روی پاکت عنوان (مربوط بنظر بنظر خوانندگان) حتماً باید قید شود

- ۱- کدامیک از مقالات این شماره مورد پسند شماست؟
- ۲- چه مقالاتی را از شما می‌پسندید؟
- ۳- آیا باید چه مقالاتی برعکس چاپ شود؟
- ۴- روی جلد اختصاص بکدام هنرمند داده شود؟
- ۵- عکس هفته

ما منتظر نظریات شما هستیم





ژاک سرناس

**آقای ایوب شهین**

۱- هنگام نمایش فیلم غول عکس رنگی  
چیزدین را روی جلد مجله زهارت خواهد  
نود ۲- مارلون براندو ۳۴ سال دارد  
۳- مطش نامه فیلم «دوردنیا در هشادروز» تا عید امسال به عرض  
نمایش گذاشته خواهد شد

**آقای خدابخشی**

۱- شماره های مزبور در دفتر موجود است  
و بهای آنها ۳۰ ریال میشود ۲- روشو و  
ژولیت بزبان فارسی دوبله شده و خواهد  
قد ۳- دوردنیا در هشادروز وارد ایران شده و هنریشه اول آن  
دوبله یون نام دارد و تهیه کننده فیلم نیز «مایکل تاد» میباشد

**آقای حسین جنتیان**

دو تنظیم و سه سلام شما و اصل گردید و موجب  
خوشحالی همه کارکنان مجله شد ۱- برای  
اینکه دل ضعیف شما نشکند برای بار دوم  
در آینده عکس چیزدین را روی جلد چاپ خواهیم نمود

**آقای ناصر ذکری**

۱- در فیلم «قاصد پاره» رابرت کامینگر  
و تری مور شرکت داشتند ۲- اولین فیلم  
کاری کوپر «فتح بار بارو» نام داشت  
۳- روسانا بودستا تاکنون جایزه اسکار نگرفته است ، شماره های  
مزبور در دفتر موجود و بهای آنها ۸۰ ریال می باشد

**آقای امین دوستدار**

۱- در این مورد میشود نظر قاطعی ابراز  
داشت برخی راج کاپور و عده ای دیوانه  
را میسنند ۲- آوازه بهترین فیلم راج و  
لرکس بود ۳- بر سیده اید «در میان هنرپیشگان مرد آمریکا چه کسی اول  
است» جوای ندارد بدهم

**آقای اسفر گنابادی**

۱- متابقاضای شما عکس هنریشه معبوتان  
«ژاک سرناس» را در همین صفحه چاپ نمودیم  
۲- از مارلون براندو زودی فیلم  
«فهره خانه اکوست مون» را در تهران نمایش خواهند داد ۳- آنامانیانی  
بهاطر شرکت در فیلم «خال گل» جایزه اسکار گرفت

**آقای سیامک سعادت**

۱- در فیلم فردا گریه خواهم کرد کسی  
اسکاردی نبوده و اعلام جنبه مزبور فقط  
جنبه تبلیغاتی داشته است ۲- این موضوع  
بسیار هم نبوده مثلا جودی هالیدی و کلارک گیبل را می توان در اینجا  
ذکر نمود

**آقایان (اصفهان) پطروسیان - آقانیان**

۱- این دیگر پرسیدن نداشت  
مگر شما بریویت باردورا نمی -  
شناسید؟ ۲- شرح حال «مهن  
سازان» را خوب نیست در این مجله بنویسیم ۳- این موضوع چه  
تائیری می تواند داشته باشد؟ شاید هم ایشان دارای چشمهای ضعیفی  
باشند

**آقایان حدوت - محمدی**

از لطف شما متشکر و ممنونم و در مقابل  
اینهمه حق شناسی تعظیم میکنم و امیدوارم  
همانطوریکه انتظار دارید بتوانیم کار  
خودمان ادامه دهیم و اما در مورد دستگاه نمایش فیلم هشادروز دور  
و با همراهِ سینه ای مولن روز اقدامی برای نصب آنها ننموده است ولی  
کویا در پاییز مال آینده این فیلم به عرض نمایش گذاشته شود... سلام  
گرم هست تحریریه مجله را اینجانب و کالاً بشما ابلاغ میکنم

**آقای شاپور قانعی**

۱- «بلبل مزرعه» در کشورهای همسایه  
نمایش داده شده است ۲- محلا «جهان  
وین» در آینده در فیلمهای جدیدی شرکت  
خواهد نمود ۳- در جنگ بین المللی دوم در یک حادثه هوایی کشته شد

**آقای (رضاییه) ح - پ**

از لطف شما ممنونم ولی متاسفانه فعلا  
صفحه مزبور برچیده شده است و آقای  
(آذرتیموری) تقریباًست خبرگزاری  
مجله را در رضاییه بعهده دارند ولی در صورتیکه مطلب مناسبی ارسال  
دارید مطش باشید که بنامتان چاپ خواهیم نمود

**آقای (آبادان) محمد شعبانی**

۱- دروش فیلم «بلبل مزرعه» از  
هنرپیشگان حرفه ای نیست بلکه مقطوع  
فیلم مزبور در صحنه کوتاهی شرکت نموده  
بود ۲- مهن معاونزاده ۳- همسر هنریشه مزبور هنریشه است و نه  
هنرمند بلکه یکزن معمولی است که شغلش اداره امور منزل و «آهنگ  
خانه» می باشد



امشب در سینهای

# پلازا

شاهکار روزگار جدید از کاپانی

نظم یونیورسال ایتز نشنال بنام



## در جستجوی معشوقه!

باشتراک:

والی هولسن

پولسازترین هنر پیشه سال ۱۹۵۷ آمریکا  
در این او آخر تدوینش عالمگیر شده است

رایبر لوری

مختاره نمکین و زیبای یونیورسال

چارلز کابورن

هنر پیشه قدیمی هالیوود

و هنرمند خردسال

کی گی

رنگی (تکنی کار)





# امشب در سینما دیاانا

## پلهای توگوری

اثر کارگردان معروف و بزرگ عالم سینما مارک ابرسون

باشتراک:

ویلیام هولدن      گریس کلی      فردریک مارچ



برنده دو جایزه اسکار



برنده جایزه اسکار



برنده جایزه اسکار

پلهای توگوری

میگی رونی

پلهای توگوری

بدون شك خاطر این فیلم جالب

و همچنان انگیز را هرگز فراموش

نخواهید کرد



هنرپیشه معروف سینما

از روی اثر جیمز میسنگز برنده

جایزه پولیتزر بزرگترین اثر ادبی

امریکا تهیه شده است



# فالت سترخ

## RED DUST

ترجمه: جهانگیر افشاری

-۲-

- این مارمولک هم اضافه بر سایر مارمولکها!  
و از اطاق خارج شدند بعضی اینکه صدای قسمهايشان در فضا محوشد، «وان تین» از روی تختش جستی زد و پائین برید و بازوی گیدون را چسبید و او را کشان کشان روی بالکن برد و سپس با اطاق برگشت و در را پشت سرش بست و از نو وارد رختخواب شد.

...

در اطاق غذاخوری، غذا آماده بود. مک شروع بخوردن کرد ولی دنیس متمکرا نه به مزه مزه کردن براندى پرداخت. مک گفت:

- بهتر است چیزی بخوری دنیس گفت:

- مک! آياتا بحال برایت اتفاق افتاده، که بخوامی خودت را از شر چیزی یا کسی خلاص بکنی؟

- بله! در زندگي همه کس ممکن است چنین اتفاقی پیش بیاید. دنیس گفت:

- شرکت مرا مورد کار خوبی کرده و من می توانم مقدار قابل توجهی چیز بفروشم.... مک حرفش را قطع کرد و گفت:

- امانی توانی. تو بدنيا آمده ای که مشامت با بوی لاستیک و ازش بیاید و برای تهیه آن عرق بریزی و بالاخره در راه آن از دنیا بروی.

«دنیس» کیلاس دیگری ریخت و گفت:

- اشتباه میکنی. تو خیال می کنی که بقیه عرق را صرف مودانی چون «گیدون» خواهیم نمود و بایک مشت عمله سر و کله خواهیم زد و مردم از تب و مرض در خوف و هراس خواهیم بود و مرتب خک و خل خواهیم خورد. نه... اینطور نیست. این درست مانند اینست که پسره زنی هر شب بایک بطری آب گرم به بستر برود!

«مک» پادهان پر! و بحالت تعجب گفت:

- نه بابا! این نکته را باید بدانی تا زمانیکه در کره ارض طفل شیر خواری وجود دارد که از پستانک لاستیکی شیر میخورد؛ کار تو همین است و باید به تهیه فرآورده های لاستیکی مشغول باشی. از این حرفها گذشته! تو باندازه کامل اعصابت را خراب کرده ای! چرا به سایگون نیروی تا کمی تفربح کنی.

«دنیس» در حالیکه جام دیگری به لب نزدیک میکرد گفت:

- تا موقعی که کارها بشکلی است که ببینی، چگونه می توانم به سایگون بروم «مک» موضوع صحبت را عوض کرد و تن صدایش را پائین آورد و مودبانه گفت:

- راستش را بگویم! این بارو که از سایگون آمده! چندان بدک بست!

«دنیس» متفکرانه به پشتی صندلیش تکیه داد و مزه هایش را بهم نزدیک کرد تبسم خفیفی بر لب آورد و گفت:

- پوف!! جناب آقای «مک»! يك وقت در لندن! البته بعد از يك دخترى و ده تل لملو... کلامش را ناتمام گذاشت و باقیای ای گرفته! ساکت نشست.

درست مثل کسی که از زیاد آوردن خاطرهای رنج می برد...

این وقت «هوی» وارد شد و میز غذا را جمع کرد. دنیس نقشه ای که مربوط بکارش بود! مقابلش گشود و شروع بمطالعه آن کرد و عبوسانه گفت:

- فردا باید به تعمیر و مرمت جاده ای به پردازیم.

«مک گفت»:

- باید این کار را تا آمدن «ویلیس» به تعویق بیندازی. او تا چند روز دیگر با کشتی «لیتی» باین جا خواهد آمد. اینطور نیست؟

دنیس با صدائی گرفته و خشن گفت:

- این دستور شرکت است ولی من فاتحه ای برای آن نمی خوانم

روى این جور دستورها نمیشود

حساب کرد. چه کار کسان بعضی ایسکه قدری کار کردند و خسته شدند و چند قطره عرق ریختند! دلشان هوای بارود پاره می کند! در بیرون فرش پلنگی بگوش رسید. مک از جای بلند شد و با قدمهای بزرگ بطرف پنجره رفت و با طراف نظری انداخت و ناگهان «گیدون» را روی بالکن دید و گفت:

- دنیس! مردك روی بالکن افتاده.

- جایش خوب است. بگذار همانجا باشد.

- بسیار خوب. شب بخیر.

- شب بخیر مک!

پس از رفتن «مک»! دنیس ماشین تحریرش را حاضر کرد و يك صفحه کاغذ لای آن گذاشت!

مشغول تحریر بود که صدای آهسته و خفیفی! توجهش را جلب کرد....

این صدا از «وان تین» بود که ماهرانه وارد اطاق شده و روی میز نشسته و با علاقه خاصی به قیافه مردانه و خشن دنیس خیره شده بود.

- آيا شاهر شب وقتان را اینطور می گذرانید؟

دنیس جوابی نداد و همان طوری بمطالعه نقشه اش پرداخت.

- چیزی برای خوردن ندارید؟ از کرسنگی دارم می میرم!

دنیس بی محابا سرش را بلند کرد و گفت:

- آشپزخانه آن پشت است. آنجا بروید.

«وان تین» از روی میز پائین آمد و مقابل دنیس ایستاد. لباس

محمول که پانی مترو گلدوبین ما بر کارگردان: ویکتور فلمینک (تعبید)

کلاسک گیبیل  
چین هارلر  
هری آستر



ایریشی که بن داشت ؟ کارلا  
 بدش را قالب گرفته بود . گفت :  
 - در سایه دلون می گویند که  
 لاغر شده ام . آیا شما هم همین  
 عقیده را دارید و فکر می کنید  
 که من لاغر هستم !  
 دنس بشدی گفت :

- من نسبت به چاقی بالاغری  
 شما از علاقه نیستم . بروید بیرون !  
 « وان تین » در حالیکه  
 به طرف آشپزخانه میرفت گفت :  
 - خوب جونم ! چرا میزنی ؟  
 چقدر بد اخلاق هستی !

من چه زن بدبختی هستم .  
 آمده ام اینطرف ها که تو می  
 درزندگیم حاصل بشود و از بد-  
 بختی مجبور شده ام که یک ماه  
 بیانم ! آنهم میان افرادی که  
 مرتب مشروب می خوردند و مست  
 می کنند و بعضی هایشان نیز نیمه  
 شب بسراغ بستر می آیند و وقتی  
 که می گردم که هم نفسی پیدا کنم  
 و چند کلمه باهاش صحبت کنم ؛  
 اینطور خرناس می کشد و رو  
 ترش می کند ...

درحین که آشپزخانه را  
 جهت پیدا کردن خوراکی ؛  
 جستجو می کرد ؛ ناگهان چشمش  
 به یک جعبه کلوچه خشک افتاد .  
 نزدیک شد و دست دراز کرد و  
 بهوش کلوچه ؛ یک مارمولک  
 بدستش افتاد !

ندانی بر آورد به مارمولک  
 گفت :  
 - چطور شده که تو وارد  
 اطاق من شده ای ؟ !

جعبه کلوچه را از بر بغل زد و  
 بر آفتاد . از میان در نیم باز یکی  
 از اطاقهایی که در طول بالکن  
 واقع شده بود ؛ نوری به بیرون  
 می تابید . « وان تین » پیش خودش  
 حدس زد که دنس دارد لغت  
 میشود ؛ در این فکر بود که  
 صدائی بلند شد که :

- وقتی کارت تمام شد ؛ چراغ  
 را خاموش کن .

« وان تین » کلوچه ای از



آیا بنظر تو من لاغر هستم یا چاق ...



اودرد دل می کرد و بدن وسیله  
 رفع تنهائش را می نمود .  
 « مك » نیز با این زن علاقه ای  
 پیدا کرده و مجذوب زیبایی  
 ساده اش شده بود .  
 میدید که « وان تین » در زیر  
 ماسک سبکیهایش ؛ صمیمی در  
 خور تقصیر دارد .

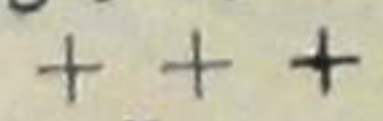
و از این ها گذشته توانائی  
 این را دارد که با محیط سازد و هم  
 رنگ آن بشود و در کارها بی جهت  
 فضولی نکند . « وان تین » تحمل  
 هوای گرم و ناسالم را می کرد و  
 از اخلاق بد و خشن دنس کلاهی  
 نمی نمود و با ناراحتی هایی که  
 « کیدون » هنگام مستی برایش  
 تولید می کرد می ساخت و هنگامی  
 که کیدون بیش از حد ذابنش  
 میکرد ؛ « دنس » بفهمی نفهمی از  
 جانبش طرفداری می نمود ...

« وان تین » برای خودش  
 سر گرمیهای فراهم کرده بود ؛

جعبه بیرون آورد و شروع  
 بجویدن نمود . نگاه سرگشته اش  
 دور و بر اطاق میدوید . اثری از  
 شادی و شغف در این نگاه نبود .  
 ولی وقتی غفلتاً چشمش به مك نفس  
 طوطی ؛ که در گوشه ای از اطاق  
 جای داشت ؛ افتاد ؛ مدتی بود  
 که طوطی ندیده بود ؛ نزدیک نفس  
 شد و با اشتیاق گفت :

- سلام ای مرغك زيبا ! ما من  
 حرف بزنی ؛ خیلی دلم میخواهد  
 با کسی صحبت کنم .

طوطی چشم هایش را به  
 « وان تین » دوخت و بعد خنده ای  
 کرد . « وان تین » هم خندید ؛  
 اما خنده ای مسخره آمیز و حاکی  
 از ناشادی . کلوچه ای را که در  
 دست داشت جلوی طوطی گذاشت



طی روزهای آینده « وان -  
 تین » با طوطی ؛ که او را « مادام »  
 صدا می زد ؛ کاملاً دوست شد . با

کارهایی که دور و برش بود انجام  
 میداد ؛ دکمه های افتاده لباس  
 این را می دوخت و شبها با  
 « مك » بازی ورق می کرد و با  
 آنکه مرتب چشمش دنبال دنس  
 بود ؛ معیناً کوششی نمی کرد  
 که نظر او را بطرف خودش جلب  
 کند . بدین ترتیب روزهایش را  
 می گذراند و اتانیه اش را جمع و جور  
 می کرد که بمجرد رسیدن قایق  
 سوار آن بشود و برود . بالاخره  
 روز آمان قایق به آن ناحیه فرا  
 رسید و « وان تین » عازم حرکت  
 شد . در لحظه آخر دنس جلو  
 آمد و با همان لحن ناهنجارش  
 گفت :

- طوطی را هم با خودتان  
 ببرید چشمهای « وان تین » بر آذ  
 اشک شد و گفت :

- دنس ؛ چگونه از شما تشکر  
 کنم !

دنس با سخنی تداو از خانه  
 خارج شد . مك از جانب « دنس »  
 عذرخواهی کرد و گفت :

- او فطرتاً آدم نامهربانی  
 نیست ؛ ولی خوب دیگر چه میشود  
 کرد ؛ اینطور است !

« وان تین » ناگهان گفت :  
 - مك ؛ اصل میدانی موضوع  
 از چه قرار است ؛ من دلم نمیخواهد  
 از این جابروم . این چهار هفته  
 بمن خوش گذشت ؛ خوردم و  
 خوابیدم و آزادانه قدم زد و شبها  
 با شما بازی کردم و با طوطی  
 قشنگم درد دل گفتم .

در این موقع صدای سوت  
 « لیمی » بلند شد و « وان تین » گفت :  
 - لیمی آمد . ممکن است  
 خواهش کنم کیف مرا بدهید ؛  
 مك در حالیکه چندین برات  
 را لای انگشتانش میفشرد ؛  
 بسوز ، او دراز کرد و گفت :

- این را بگیرید .  
 - آخر برای چه ؟

مك با دستیابی جواب داد ؛  
 - بغضطرر که های افتاده ای

که از نوبه لباس من دوختید ؛  
 ( ناتمام )



## مصاحبه‌ای با نیوچیاپی

فیلم حلقه به شخص ساکان  
 نیست زیرا این دختر کما بیش  
 استمدادهای دارد. اما من میخواهم  
 علافتان به طرز تفکر این نویسنده  
 را مورد سرزنش قرار دهم - فیلم  
 هجو (Satire) است از آن ایده‌ها  
 و انگاری که کتابهای ساکان در مغز  
 جوانان امروز ما داخل میکنند.  
 - در چه موقع تهیه فیلم را آغاز  
 خواهید کرد و هنرپیشگان آن چه  
 کسانی خواهند بود؟  
 - برای ایفای دل کایتان  
 کورت بودگز در نظر گرفته شده  
 است دل دخترک را هم - یلن دومونزو  
 ایفاء خواهد کرد. (برای مزید  
 اطلاع خوانندگان عزیز می‌گویم که ممکن  
 است یلن دومونزو را نشاسند  
 عرض میکنم که این دخترک زیبای  
 بیست ساله، ابتدا در فیلم‌های  
 عشق لثوبه و گی دل کوچکی  
 ایفاء کرد و بعد با شرکت در فیلم  
 «جادوگران شهر سالم» به همراهی  
 ایوموتان شهرت یافت او بر میگر  
 اورا برای شرکت در فیلم «سلام بر  
 هم» برگزید و شاید هم به همین علت  
 چیاپی دل یک دختر علافتند با آنار  
 ساکان را با او سپرده است. آخرین  
 فیلمی که از این هنرپیشه در باریس  
 مشاهده شد «دخترک و تاجر زن‌ها»  
 نام داشت که توسط هانری ورنوی  
 ساخته شده است. (ه - د) سی و دو  
 دل هم دیگر هم در فیلم وجود دارد  
 که تماماً توسط هنرپیشه‌های مرد  
 بازی خواهد شد. تصمیم گرفته‌ام  
 از آکتورهای ناشناخته و به همین  
 برخی از ملوانان واقعی برای این  
 دل‌ها استفاده کنم - تا بحال هزار  
 نفر را برای این سی و دو دل مورد  
 آزمایش قرار داده‌ام.  
 و اما درباره شروع فیلمبرداری  
 باید بگویم که من پیشنهاد شده و در  
 ک طی دو هفته مقدمات کار را تمام  
 کرده و کار در کورتا آغاز کنم - این  
 عملی نبود - در نتیجه قدری که از این  
 مدت سپری شد کورت بودگز شروع  
 بیازی در یک فیلم آمریکایی با شرکت  
 اینگرید برگمن نمود و حالا من  
 مجبورم تا خانه کار فیلمبرداری آن  
 فیلم منتظر شوم موقتیکه من کورت  
 بودگز را برای «قهرمانان خسته‌اند»  
 انتخاب کردم کسی او را نیشناخت  
 و بدون مزاحمت میتوانستید با او  
 گفتات بینه ولی حالا دیگر  
 سرش خیلی شلوغ شده است.  
 با این حال از این منطقی احادی  
 ناراحت نیستم چون وقت بیشتری  
 برای پرداختن به جزئیات، تهیه  
 مقدمات و تعیین آکتورهای دیگر  
 دارم ملاحظه میکنید که جز ملن -  
 دو و ژو، بقیه رلهای فیلم توسط  
 مردها ایفاء میشود و همسر (سه  
 آکتربیس ژاپنی نگاه کرد و خندید)  
 از این جهت خیلی راضی است.  
 با این شوخی لطیف کارگردان  
 فرانسوی، مصاحبه با یکی از  
 هوشمندترین جوانان سینمای امروز  
 خانه یافت. اما برای چیاپی، انگار  
 هنوز خیلی حرف‌ها باقی بود که بگوید  
 با این حال، از آن لحظه که قلم خود  
 نویسم را در جیب گذارده و  
 کاغدهایم را جیب وجود کردم،  
 گفتگو جنبه خودمانی تری نگه  
 گرفت - چیاپی از حوادث سفرهایش  
 از جریان عشق و ازدواجش، از خانه  
 و زندگی و بالاخره از خیلی چیزهای  
 دیگر گفتگوها کرد. با همسر  
 انلکتوتولاش درباره تأثیر کار و  
 ژاپن، درباره فیلمهای آکیرو -  
 کروزاوا کارگردان بزرگ سینمای  
 ژاپن، و بالاخره درباره راه و رسم  
 زندگی مدرن مردمان کشور آفتاب  
 طلوع صحبت کردم و درگیر و دار  
 این گفتگو، شوهر اکتربیس ژاپنی  
 گاه و بیگاه با زیاد ذمیر مشروبات  
 خود می‌آفتاد نیوچیاپی از جریان سابق  
 فیلم‌هایش در ایران پرسید و از  
 دانستن این نکته که آثارش هم  
 در بین مردم و هم در بین منتقدین با  
 موفقیت رو برور شده است، مسرور  
 گردید زن و شوهر از من درباره  
 سینمای ایران جو یا شدند ولی من جز  
 اظهار امیدواری برای آینده جواب  
 دیگری نتوانستم تعویلاً دهم.  
 سرانجام وقت آن بود که نظری  
 به ساعت مچی خود بیفکنم - سه ساعت  
 از اوقات نیوچیاپی به جله ستاره  
 سینما و خوانندگان آن اختصاص  
 داده شده بود و این کافی بنظر میرسد  
 خدا حافظی کردم و بالتویم را در دست  
 گرفتم که از بهانه‌ها سر از پرشوم اما  
 کارگردان، گویی که در لحظه آخر  
 هم بیاد آوری نام فیلم بعدیش نمایل  
 داشت، رو من کرد و گفت:  
 «لطفاً بالنویسان را ببینید  
 باد بر خاصه است» (۵ نوامبر ۱۹۵۸)

## قهوه‌خانه اگوست مون

هفته‌ای از تاریخ فیلم برداری نگذشته بود که «کالهرن» چهار بسیاری  
 قلبی گردید و چشم از جهان بر بست اختلاف براند و فوراً از یکطرف  
 و مرگ ناگهانی کالهرن از طرف دیگر بقدری دانیل مان کارگردان و چاک  
 کاسینگر تهیه کننده را ناراحت ساخته بود که نزدیک بود تهیه‌مانی فیلم  
 برای همیشه معوق بماند.

در آخرین دقایق ناامیدی، مان آکتور جدیدی بنام «بل فورد»  
 را تحت استخدام خویش آورد تا جاشین کالهرن فقید شود و بقیه دل  
 کدل بودی را ایفاء نماید.

«بل فورد» از بازیکنان بزرگ نمایشات محسوب میگردد و  
 همین نقش را ۱۰۲۷ بار روی سن تئاترها بر عهده گرفته بود.

### ... و سایرین

دو هنرپیشه آمریکایی، با اتفاق چهار هنرپیشه ژاپنی سایر  
 رلهای برحسب و مهم‌فیلمرا ایفاء میکنند. این شش تن برترتیب عبارتند  
 از: ادی آلبرت (در نقش کایتن مک‌لین) - هنری مورگان (در نقش  
 سر جوخه کر کوچ) - جون نگامی (در نقش سیکو) - نیجیکو کیوکاوا  
 (در نقش هیگاشی) - مینسکو سوامورا (در نقش یک دختر کوچک ژاپنی)  
 مینورونی شیدا (در نقش موماتا).

«وزیک فیلم تحت نظر «سادل چاپلین» بتوسط دکو کوکاکامی»  
 که پوزیتور ژاپنی ساخته و اجرا شده است. قطعه آواز ساکورا -  
 سا کورا، توسط ماشیکو کیو برای کلن فورد، در قسم‌های «گیشا» و  
 «دیبر سال» توسط ستارگان ژاپنی بیشتر از همه قسمت‌ها توجه تماشاچی  
 را خود جلب می‌سازند علاوه بر این‌ها، چند قطعه آواز بنام «ای  
 ماشوکو - باشی»، «کانایو»، «یوینانار او رو» طی فیلم خوانده  
 می‌شود.

کتاب «قهوه‌خانه اگوست مون» بقلم ورن ج اسنایدز میباشد  
 که بوسیله جان پاتریک سنایور بر گردانده شده است.

فیلمبرداری «جان آلتن»، مونتاز «مارولد کرس» و آسپستان  
 کارگردان «ویلیام شاکلز» میباشد. «قهوه‌خانه اگوست مون» بصورت  
 سینما سکوپ و مترو کالری مدت ۱۲۳ دقیقه در کپانی مترو تهیه گردیده  
 و با زیر نویس فارسی بزودی به معرض نمایش گذارده خواهد شد.

## مصاحبه کوتاهی با کاری گراذت

چند روز قبل من پیشنهاد شد که با  
 سرمایه شخصی خود دست تهیه فیلمی  
 بزنم.

سپس با لحن محکمتری، گفت:  
 ولی من ترجیح میدهم که همیشه یک  
 درصد از منافع فیلم من تعلق گیرد  
 و آزادی بیشتر از این را نیز فعلاً  
 ندارم، زیرا همانطوریکه ملاحظه  
 می‌کنید زندگی راحتی دارم حتی  
 زندگی من از زندگی بیشتر کسانی  
 که من و تو میشناسیم بهتر و مرفه‌تر  
 است در هر صورت باز می‌گویم که  
 با دور هنری بخصوص هنرپیشگی  
 علاقه مفراطی دارم و امیدوارم که  
 بتوانم روزی آنطور که شایسته  
 است خدمتی انجام داده باشم، و این  
 تنها آرزوی من در زندگی است.  
 باین ترتیب مصاحبه کوتاه  
 ما نیز پایان رسید، فکر می‌کنم  
 خوانندگان عزیز تا اندازه‌ای  
 بروحیه او و طرز تفکرش وارد  
 شدند... تا چه قبول افتد.

## منتظر شماره مخصوص نوروز

## ستاره‌سینما باشید



# برنامه آینده سینما ههای

یکی از مشهورترین فیلم های فرانسوی

## عروس پاریس

که بسبب کاملاً نوین ساخته شده بر روی پرده می آید

Moi  
aussi.  
j'y suis!

JEAN CLAUDE PASCAL  
ANNE VERNON  
PAQUITA RICO



### les Lavandières du PORTUGAL

DARRY COWL

DYALSCOPE  
EASTMANCOLOR

UN FILM DE  
PIERRE GASPARD-HUIT ECRIT PAR JEAN MARSAN

با اشتراك

ژان کلود پاسکال هنریشه محبوب فرانسه آن ورنون ستاره هنرمند اروپا

رنگی ((ایستهمان کالر)) - سینما سگوپ

«طریقه جدید دیالکسوپ»



# مسابقه سینما



(ستاره کهنه کار)



با وجود اینکه مدتهاست فیلمی از این ستاره کهنه کار و قدیمی سینما نمایش داده نشده ولی او همچنان تا حدی شهرت گذشته را پایدار نگاه داشته است.

این خانم فعالیت های سینمایی خود را از کشورش آلمان شروع نمود و پس از شرکت در چند فیلم با آمریکا مسافرت کرد و «کارهایی» را که اکنون ستاره گانی مانند بریژیت باردو سوفیا لورن و مارتین کارول برای کسب شهرت میکنند او همگام و رودش به عالم سینما آغاز نمود، و مدتهاست که باین «عملیات» خانه داده است. آخرین فیلمی که از ایشان نمایش داده شد فیلم معروف «فست» بود سایر فیلمهای او شریک و پارتیزان از ماجرای وین، گوشواره های طلائی، دامن خونین...

به ۴ نفر از کسانی که نام این هنرپیشه را همراه با ۲ دیال تمپر باطل شده بآدرس مجله (دایره مسابقات) ارسال دارند بحکم قرعه بهر کدام ۱۲ شماره مجله بعنوان جایزه تقدیم خواهد شد.

پاسخ «معلومات سینمایی - خود را بیازمائید» شماره قبل

- ۱- «دایرن دان» و «در بیچاره» «دیکس» دو هنرپیشه زن و مرد فیلم «سیارون» می باشند.
- ۲- از «ریتاموره نوم» فیلمهای «نسل بیچاره» و «باغ شیطان» نمایش داده است.
- ۳- «بیر آنجلی»، «دجن» - «گرین رود»، «دجن سیمونز» و «الیس» بار کر، «بتر تیلر» مقابل داستوارت «گرینجر» را در فیلمهای «ساعقه» - «عشق»، «حادثه»، «آدم و حوا» و «اسکاراموش» همپه داشته اند.
- ۴- «کاری کرانت» در فیلم «مازگشته» با «اینگرید برگن» همبازی بوده است.
- ۵- کارگردان فیلم «کازا» - «بلانکا» مایکل کورتیز می باشد.

## پاسخ صحیح جدول «سینمادایانا»

افقی:

- ۱- در شهر
- ۲- دایجان
- ۳- فرانک سیناترا
- ۴- کاری
- ۵- ارنست بورگناین

عمودی:

- ۱- دونارید
- ۲- جوانی بلندا
- ۳- والتر برن

## پاسخ الیغور پارگر

«هنرپیشه ناشناس»

week. When Perry, christe was getting... o'clock i apane... fore g t the... an intil... y ind... tai rda... wee ion... his tai... and lay... om. F ather a... was tr ened. ... rible al nttitled to... mistake? I osing a little money gambli



از این هنرپیشه فیلمهای متعددی نمایش داده نشده بهین جهت در مسکلت ما چندان شهرتی ندارد، برای راهنمایی شما تذکر می شویم که در حدود دو هفته پیش در فیلم او روی اکران بود و در فیلم «چهارراه» - «پووانی» نیز نقش را همپه داشت. مثل اینکه توضیحات گامی بعرض یار گذارسد و شما با بخاطر آوردن اینکه در دو هفته پیش چه فیلمی از این هنرپیشه نمایش داده میشده مسلمانان او را بخاطر خواهد آورد پس در آنصورت پاسخ صحیح را همراه با ۲ دیال تمپر باطل شده بآدرس مجله دایره مسابقات ارسال دارید تا ۴ نفر از شرکت کنندگانی که بحکم قرعه برنده شده اند بهر کدام ۸ شماره مجله تقدیم کنم.

- ۶- چکیر اف ارفی
- ۷- مارنیک در بوغوسیان
- ۸- فریدون افسی
- ۹- حسن مهبوبانی
- ۱۰- برادیز بیویان

برندگان میتوانند در روز شنبه پنجم اسفند ماه ساعت ۶ بعد از ظهر به دفتر مراجعه و جوایز خود را دریافت دارند

«اکتریس واقعی»



یکی از هنرپیشگان هنرمندی که امکان دارد در سالهای آینده موفق باشد جایزه اسکار شود این اکتریس ژیبامی باشد. این خانم اخیراً آثارانه بازیهای جالبی خود را در میان مردم علاقمند به هنر سینما یک اکتریس واقعی معرفی نمود. همه میدانیم که یک اکتریس جالب در شهرت و معروفیت هنر - پیشگان دل عمده ای را داراست، فیلم «مرد با زوطلائی» که در نوع خود یک فیلم با ارزش می باشد موجب اشتیاق مردم معروفیت کم نظیری برای ستاره وارد بحث ماست و بزودی با نمایش فیلم دیگری هنر او مورد تعجب همه قرار خواهد گرفت. این مسابقه جایزه ای ندارد و در صورتیکه نتوانید پاسخ آرا بدهید باین ستون سوم مراجعه فرمائید

## برندگان جدول «یانا» (شماره ۱۴۵)

- ۱- دوشیزه شمس الکوک خراسی
- ۲- شیرین جوادی
- ۳- سیلوا غازیان
- ۴- آقای غلامرضا پارس
- ۵- حسین خضرائی



# برنامه آینده سینما تهران

ویک سینمای درجا اول دیگر

درام بی نظیری از شرف گذشت کود کانی  
که بدین سرپرست در اجتماع رشد  
نموده و بهر کاری تن در میدهند... بنام



## اطفال محروم

دو اثر ترین و مهم ترین شاهکار صنعت  
سینمای بزرگ بروی پرده میآید...  
این فیلم با دقت و توجه خاصی بزبان

فارسی

دوبله شده است

خانم اخاچیان بهتر بتوانند بروحیات  
آینده نیره بنحان اجتماع امروزه  
آگاه گردند

## اطفال محروم

مناسبترین فیلم  
خانوادهاست





دو در حال «جوش شهر» اولین فیلم «فرخ غفاری» خواهد بود و وی فعلا انتظار زیاد دارند و در صورتیکه این فیلم از سری فیلمهای «نوار فارسی» از آب درآید آن وقت ... خریدار و باقایی بارکن

**فراع و حشتان دو هنر -**  
پیشه لطیف در معجز عمومی !!  
طبیق خبری که در آخرین ساعت این هفته بدست ما رسید. موضوع بحث و سیزده حشتان دو هنریشه لطیف بود.

اصل خبر بدین قرار است در یکی از روزهای گذشته شخصی نزد خانم مهین م ... که به هنریشه (خانه در) شهرت یافته رجوع کرده و اظهار داشته است که میخواهد بدلیس شرکت وی بسازد و خلاصه بدین طریق مراسم آشنائی بوجود بیاید.

ولی پس از این ماجرای موضوع تهیه فیلم از بین می رود و مطالب دیگری مطرح میشود و تا یکی دو روز رفت و آمد بسیار صمیمانه میگرد.

امروز روز چهارشنبه گذشته هنریشه ما را با اتفاق تهیه کننده فاشناس که گویا قصد تهیه فیلمی نام (دام عشق) را داشت قم زمان از خیابان مبشر آباد بائین میآمد که ناگهان خانم هایده هنریشه سابق تأثیر با اتفاق برادرش از کوچه های آن حوالی وارد خیابان شده و ظاهر آ به بون مقدمه بسوی هنریشه خانه دار حمله ور میشوند. تهیه کننده فلاپی با مشاهده چنین منظره ای فرار را برقرار ترجیح داده و در یک چشم پهلزدن از نظر نابید میشود.

اما داستان بهمن ما خانه لیباید و هایده با اتفاق برادرش هنریشه خانه دار را ناوش جان میفرماید گفته میزند!

حال که چندین روز از این جریان میگذرد طوق گزارش خبر - نگار ما آن آقای تهیه کننده فلاپی شوهر خانم هایده بوده است!

## روبن هون

امشب در سینما رکس

## فراوش شده ها

داشت و این يك انعطاف قابل توجهی بجانب غیر هنریشه ها محسوب گشت. این تمایل آر ها در فیلم موسوم به «شکست نابذیر» ظاهر شد. و فیلم درباره اشخاصی که از خدمات دولتی گذار میروند بحث میکرد. در «دیوید» که باز نظریات خود را بصورت تم زیبا و جالبی ارائه میدادند. جنبش شاعرانه و جالب توجه زندگی یکی کارگر معدن بود که جدا به ریاست مدرسه ای رسید.

ولی پل دیکسون، بهد در پرورش هدف خود و همچنین فیلمهای دکوماتری، دچار یک نوع عقب نشینی شد و شاید بتوان گفت که بواسطه تهیه فیلمهای عادی دست از کار پیشین خود کشید. کارگردانی فیلم انار در آسان، و همچنین فیلم های زیادی برای تلویزیون از جمله کارهای بعدی او بودند. اما آنچه در این مورد جنبه کلی دارد اینست که علت تغییر جهت فیلمسازان از دکوماتری به موضوع دیگر، شرایط و وقایعاتی است که بر فیلم دکوماتری سایه گسترده است. گر چه چند فیلم دکوماتری اولیه او ناشایسته مانده اند، اثر مهم او را، اگر چه کامل نیست، میتوان «فیلمی که هرگز وجود نداشت» دانست، گذشته از معایب موجود در آن، در میان یکی از هنرمندانه ترین آثار بیستم میخورد.

بعلاوه در زمینه کارهای دکوماتری بواسطه موفقیتات مخصوصی که گذشت، تشکیلات مجتمع دفوی احداث شده و هموما کارگردانان

این صنف، کار خود را منفردا دنبال میکنند و حتی مکث های خصوصی نیز برای خود ایجاد نموده اند. «برایان اسپیت» در کامپوزیا فیلم «کودکان شب» را با پیروی از اصول ریالیسم بوجود آورد.

«جان واترهاوس» که میتواند او را یک کارگردان زبردست و صاحب نظر دانست «مردان کار» و «سومیت» را در بر ذیل ساخت و چشم هنر دوستان را بجانب خود متوجه گرداند.

اشخاص دیگری که هنوز در این زمینه کار خود را دنبال میکنند، احساس و آنسفرهای جدیدی در دکوماتری زندگی و مردم حقیقی وارد کرده اند.

فیلمهایی نظیر «بویلز» و «یکشنبه کنار دریا»، از آنتونی سیوند، «فیل هیجوت فراوش نیکنده» از جان کریش و شاید «سکشن جی-بید» از جیمز هیل - همگی در جهان جهتی سر میزنند.

در این میان نام دو اثر «سالی» فیلمبرداری برجسته واسطه فیلم برداری های استادانه و کثیر خود بر فراوش نشود.

در عین حال لازمست کار هنرمندان را در محیط و شرایط مالی شان مورد نظر داشت یعنی تاچه حدودی تحت تاثیر موضوعات مالی و اقتصادی که هر يك مشکلاتی در پی دارند، قرار میگیرند. فی الحال برای تهیه يك فیلم پرسونال که در حقیقت مورد علاقه آر هاست باید طرحی برای وصول مقصود خود در سر بیوراند، و شکست در اینجاست که اغلب کار-

## هشت میلیارد ریال جایزه

هزاران جایزه چهار صد هزار ریالی و سی صد هزار ریالی و دو صد هزار ریالی و یک صد هزار ریالی و پنجاه هزار ریالی و ده هزار ریالی و یک هزار ریالی و صد ریالی قرعه کشی سازجاری صندوق پس انداز ملی نصیب کسانی خواهد شد که تا پایان سال جاری حساب پر انداز داشته و موجودی آنها از یکصد ریال کمتر نباشد.

بنابر این تا فرصت باقی است به اداره مرکزی صندوق پس انداز ملی بایستی از شعبه ها و نمایندگیهای بانک ملی ایران مراجعه و برای خود و فرزاندن حساب پس انداز باز کنید.

## سینمای مدرن حائظ

۸- سه سر نوشت با اشتراک مارتین کورول - میشل مورگان - راف والونه - الینورا روسی در اگو - کلودت کلیرت همانطوریکه ملاحظه می نماید فیلمهای فوق از جمله عالیترین شاهکارهای عالم سینماست که گرد آوری آنها مستلزم مخارج گزاف میباشد و خوشبختانه سینمای - فقط موفق شده چنین مجموعه ای تهیه نماید.

از آقای مهندس ملکی و آقای جلیلی که با علاقمندی به پرسشهای اینجانب پاسخ گفته بودند تشکر نموده و در حالیکه آرزوی موفقیت و پیشرفت آنها را بمنجودم سالن سینما را ترک گفتم.

گردانان دکوماتری برای منظور خود دست تهیه فیلمهای تلویزیون تجارتی میزنند و حال آنکه برای یافتن مرسته ترین و زنده ترین آثار دکوماتری باید بآرشیو نمایشات تلویزیون مراجعه کنیم.

درست طور پیش من موضوعات بگرو جایی را برای فیلمهای دکوماتری عنوان کردم که تاکنون در این زمینه کوششی انجام پذیرفته بود ولی با همه این احوال باید ذکر کرد که یک با همه این موضوعات پنجمی از انحاء در تلویزیون بنامه عمل در آمده است.

در مورد تلویزیون خود متصدیان امور باین نوع فیلمها «صکبت زیادی» اطلاق میکنند و این کلمه مورد نفرت جان گریسون و کنکیش بود و مثل سایر نامهایشان بخش دکوماتری از آثارهای سابق، ژورنالیست ها و «بیل جی» هانی که مملو نیست از کجا آمده اند متشکل شده است. همچنین جهت تبلیغ فیلمسازان این گروه را آثارهای خونخوار ملوف ساخته اند. و اگر چه در مورد طرز کار آنها و انتخاب اشخاص ایرادات بسیاری است ولی چون فرصت هانی برای اشخاص مختلف ایجاد میگردند لذا از اینراه بواسطه تجربه در کار و اقدام تهیه فیلمهای مختلف نتیجه برای فیلم سازی دکوماتری رضایت آمیز خواهد بود.



امشب در سینماهای ایران  
میرزا پیل زهره

در هفته گذشته پرفروشترین فیلم فارسی

# ظالم بلا

همانطوریکه انتظار میرفت رکورد فروش

هفته را شکست

دلکش. ویگن

در مفرحترین فیلم فارسی خود ظاهر شدند

محصول پارس فیلم

تهیه کننده: دکتر اسمعیل گوتیان

کارگردان: سیامک یاسمی





# ایستگاه راه آشنایی



- حدس میزید که مدت محکومیت زندان این مرد چقدر بوده است ؟  
 - نباید زیاد بوده باشد. بیچاره لولا! از شنیدن این خبر چه حالی شده بود ؟  
 نامزد انسان را بزندان بیاندازند آنهم بجرم چه عمل هست و بر شرمه ای ؟  
 - چه دلیل شما می گوید که مدت زندان او کم بوده ؟  
 - چون یکسال مدد آن «لولا» در نامه ای برای من نوشت که «چرا گذشت های مرده نمیتوانند احسان و حشمت خود را برای ابد در دل فراموشی بگور بپارند و گاهگاه با نشاندن اسکت های هر استاک خود زندگانی زندگان را مختل می سازند» آن مرد کذابی دیروز باز سر راهم سبز شد و لودبگر اشاء له او را برای ابد نخواهم دید این تقریباً کلانی است که لولا برای من نوشته بود .  
 سیلور باردبگر متفکرانه سری تکان داد. داستانی که «سالی» نقل کرده بود بسیار مهم جلوه می کرد زیرا وجود واقعی آقای «ایکس» را بیثبوت می رساند .  
 - آقای «آشلی» می گفتند که این مرد «لولا» را تهدید کرده، درست است ؟  
 - من اطلاعی ندارم .  
 - به نامت مرگ ناکهانی و برحمانه «لولا» من ناچارم که این شخص را پیدا کنم .  
 شافکری در این باره بخاطر تان نمیرسد ؟  
 «سالی» با حیرت گفت: چه راهی؟ شب واقعا فکر می کنید که فائل لولا همین شخص است ؟  
 «سیلور» بالعنی احتیاط آمیز پاسخ داد: این فکر تنها چند ساعت پیش به خاطر من رسید پس از ناامیدی از هر چیز دیگر من درجه جنوری حامل مهر کمی برای این قتل بر آمدم و سرانجام با اینجا رسیدم که این آقای «ایکس» نه تنها «لولا» را رسماً تهدید کرده بلکه سابقه تبه کاری هم داشته .  
 - تصور می کنم که بنکنه جالی بر خورد کرده اید آقای کارآگاه من و پدرم شوال و بازجوی شمارا از میهمانان انان امری اجاری و لازم میدانم ولی لابد متوجه هستید که این پیش آمد چقدر برای همه آنها ناگوار و بر خوردنده است و اگر وسیله ای فراهم شود که سوءظن پلیس از این خانه و افرادش بر طرف شود بسیار خوشحال خواهیم شد .  
 «سیلور» با علاقه مفرطی بچهره این دختر تیزهوش مینگر بست و سپس گفت :  
 - مادموازل گریهام ، من نمیخواهم بشا امید بهوده ای بدم . شما در این جریان بسا کثرت زیادی کرده اید و پلیس از شما نهایت شکر دادد ولی باید بداید که این مرضیه احتمالی من هیچگونه مصونیت و یا برائتی برای میهمانان شما پدید نیآورد

-۷-  
 - خواهر میکنم ادرانه بدهید خانم. من علاقه زیادی دارم که از این موضوع نحوی کالمتر سر در آورم.  
 سالی قیامه ی متاسف بخود گرفت .  
 - فقط میدانم که لولا یکبار نازد شده و بعد هم آنرا بهیزده و این موضوع را امری فراموش شده میبنداشت او دختری لمده پرواز بود و حس غرور خود را از دست نمیداد بنا بر این من کاملاً بی موضوع مریور می نیردم .  
 کار آگاه بهجمله سوال کرد : اسم این مرد چه بود ؟  
 - نمیدانم . هنگام وقوع این ماجری من و پدرم - ساقرت خارج از کشور رفته و دیدم و بدون هدف معینی دور دنیا را می گزینیم بنا بر این مکاتبانمان نیز تساحدی قطع شده بود . هنگام رجعت «لولا» را در پاریس دیدم و ظاهر او در آن چند مدت رنج زیادی متحمل شده بود و در جواب من که علت ناراحتی و اضطرابش را پرسیدم فقط گفت که یک چند بیعت خود را گرفتار مرد نالایقی کرده و اکنون مایست که موضوع را نکلی بدست فراموشی بپارم . در زندگی مطالبین هستند که تکرارشان حتی در نزد خود انسان و بوسله خود از نیز بیش از حد دردناک است و این موضوع نیز یکی از همین مطالب بود و یابن ترتیب منهد دیگر حرفی در اسع آن در حضور «لولا» نردم .  
 - و ادرم دیگر آنرا تکرار نکرد ؟  
 - بطور واضح میر . بگردنار از خلال نوشته هایش متوجه شدم که لخم دردناک این ماجری هنوز النیام نیافته است .  
 - آیا شما از دوستان دیگری کسی را می شناسید که با این مرد آشنائی داشته باشند ؟  
 - خیر . این اولین سفر من فرانسه بود و در آنجا با هیچکس بشراذ خود لولا آشنائی کامل نداشتم ، علاوه این حادثه در یکی از هتلهای ساحل «برتانی» اتفاق افتاد .  
 «سیلور» متفکرانه سرش را تکان داد .  
 - شما کوچکترین اطلاعی از علت صریح برهم خوردن این نامزدی ندارید ؟  
 «سالی» کسی مکت کرد : - من فقط مطمئنم که «سالی» بطوری از این مرد مایوس شده بود که دیگر حتی فکر تبه بدنامزدی با او را نیز بر سر راه نمیداد . بهر حال اکنون که «لولا» مرده و این حرف من در وضع او تغییری نمیتواند بدهد بایستی بشا گریم که یکبار هم پلیس این مرد را بملت تهدید و احادی از مردم توقیف کرده بود .  
 - بزندان هم بردندش ؟  
 - گمان میکنم برای مدتی کوتاه .  
 - در انگلستان پادفرانسد .  
 - نمیدانم ، معنلا در فرانسه و من شعفا تصور میکنم که او را در «برتانی» توقیف کرده اند .  
 - شاعکس این مرد را هم ندیده اید ؟  
 - ایدا دلیل نداشتم که «لولا» عکس چنین شخصی را بتوان یادگاری نگاهدارد .



بچه جهت اگر این آقای «ایکس» که شما پیشنهادش  
مربط این چاپ شده باشد معقلا موضوع را باید خامه یا نه تلقی  
کنیم و سوهن شما پیشنهادهای مایه و رداست.  
- امیدوارم که همینطور باشد ولی هنوز که موضوع مسلم نیست  
و حتی اگر خود این شخص مجهول هم «لولای» را بدست خود بقتل رسانده  
داشته اند و گرنه او از کجا از ساعت دقیق ورود «لولای» بایسگاه  
اطلاع داشته؟  
- شاید او اولارا هنگام بیار شدن از کشتی در آورده باشد و  
با او بایک ترن لندن آمده ولی تا رسیدن بایسگاه «چارلیک کراس»  
موقیبت مناسب برای قتل پیدا نکرده.  
بهر حال دیگر «سالی» می دانست که این جرم و بطنها پاکر آگاه  
«سیلور» نتیجه ای نخواهد رسید.

یکی ناکسی «سیلور» و دوست همکارش «آندی» نوبنده  
چنانی «دبلی بوجت» را در مقابل ساختمان زیبای در «لموار هوسن»  
در باریس پیاده کرد و چند لحظه بعد شمول سلام و تعارف با آنتوان بک  
یکی از رؤسای پلیس شهر باریس بودند.  
«بک» در حالیکه دست «سیلور» را در دست می فشرد گفت:  
از دریافت تلگراف شما بی اندازه خوشحال شدم آقای «سیلور» و از  
اینکه بکار دیگر «مسیو کالینسون» را می بینم نیز بسیار خرسدم خواهش  
می کنم که پلیس ما را هم از خودتان بدانید و هر امری هست بفرمائید.  
سیلور گفت: - اراضف شما تشکریم مسیو. گمان می کنم شما  
بجز بیات قتل «لولای نورسکو» وارد هستید.  
- پس از دریافت تلگراف شاد روزنامه های انگلیسی آنرا  
خواندم.

کار آگاه انگلیسی گفت: - بسیار عالی. و شرح واقعه را تا آن  
لحظه برای پلیس فرانسوی حکایت کرد و افزود: - اکنون میخواهم  
محل اقامت مقتول را هم بازرسی کنیم.  
- با کمال میل. هر چه بفرمائید همانست.  
هر سه با هم وارد عمارت شده و بطبقه دوم رفتند. مستخدم افسرده ای  
در راهروشان باز کرد.

«سیلور» که معلومات زبان فرانسه اش قابل تحمل بود گفت: -  
شما «فرانت» هستید؟  
از آن بجهت به ناشناس نگاه می کرد. - چه فرمایشی دارید؟  
«آنتوان بک» مخمرا همه چیز را توضیح داد.  
- اوه بیچاره خامه! اصلا نمیتوانم باور کنم که او دیگر  
باینخانه باز نخواهد گشت. چه خانم خوش اخلاق و با شاطی بود!  
سیلور پرسید: - پس الامرک خانم چه کسی باین ساختمان داخل  
شده؟

- هیچکس جز دو مأمور پلیس که هزار تا سوال بیجا از من کردند  
و جواب هیچکدامشان را هم نمیدانستم و آقای «آشلی» دوست انگلیسی  
خانم.  
مأمورین پلیس با طاق بدبرائی زیبا و مرتب «لولای» وارد  
شده و باز سوال کردند:  
- کسی بنامه های خصوصی خانم و یا اشیاء دیگر ایشان دست  
نورده است؟

- خیر آقایان. همه چیز همان صورتی که خود خانم گذاشته  
بودند باقی است سیلور پرسید: آقای «آشلی» چه وقت باینجا آمده اند؟  
- دبر و صبح بلافاصله پس از آنکه من بوسیله تلفن این خبر شوم

را باو دادم و خودم هم آنرا از پلیس شنیده بودم. او سن گشت که خیال  
دارد باهبله بلندن سرود و بن هم - فشارش کرد که فعلا در همین آپارتمان مانم.  
- گمان می کنم که او چهارشنبه گذشته یعنی شش که خانم «لولای»  
میخواستند پاریس را ترک کنند نیز باینجا آمده بود.  
- بله آقا. - چه وقت از اینجا رفت؟ - در حدود ساعت  
ده نیم. - پس از آن مادموازل از خانه بیرون رفتند.  
- ایها. آن ساعت وقت خواب ایشان بود و شما هم ناچار بودید  
که صبح روز بعد خیلی زود بیدار شوند که بتوانند بلندن بیایند.  
- آن شش که آقای «آشلی» اینجا را ترک کرد آیا کسی دیگری  
بیاید؟

- مطمئنا خیر آتش من تا مدتی در اطاق مادموازل مانده و  
در بستن چمدانهاشان کمک می کردم.  
- قبل از حرکت مادموازل از پاریس بطور کلی هیچکس ایشان  
را حتی بوسیله تلفن هم نخواست.  
پیشانی «فرانت» بعلامت تفکر چین خورد.  
- فکر میکنم که خیر. بله، از اینهم مطمئنم.  
چشمان «سیلور» متوجه آندی کالینسون شد و باینکلیسی از  
وی سؤال کرد:

- سر چطور این شخص مجهول می تواند از غیر سفر لولا  
بلندن آگاه شده باشد؟ چون وی در شب چهارشنبه یا آشلی در باره  
اینکه آن مرد را بنازکی دیده یا اخیر هیچ نوع صحبتی نکرده.  
آندی گفت: شاید صبح روز پنجشنبه در راه ایسگاه «دونرد»  
با او مصارف شده است.

سیلور محکم و شمرده دنباله سخنانش را گرفت: یعنی که این  
شخص هم بیدار است حاضر و آماده و مقداری هم «استروفانتیس» در  
جیب داشته و بلافاصله بنعقب «لولای» برداخته این که غیر ممکن  
است دقیق، و اینها همه بویید این نظریه که دست یکی از میهمانان «کالی  
لاج» در قضیه دخالت داشته، حالا برویم سر بازرسی اشیاء آپارتمان.  
نخست «سیلور» بازرسی دقیقی اراضاق بدبرائی اطاق خواب  
و اطاق نهار خورد را رلا بعمل آورد و بپلکس هر یک از دوسان لولا که  
بر میخورد دقیقار اجمع هویت و طول مدت دوستیشان با «لولای» از  
«فرانت» نوصیح میخواست «سیلور» بقدری در کار خود فرورفته بود  
که گرنی وجود در پلیس دیگر و دخترک خدمتکار را در اطاق از یاد  
برده بود.

آخرین چیزی که توجهش را بخود جلب کرد مجموعه ای از  
شش هفت عدد دفترچه های کوچک بود که بطور دسته جمعی در امانی قرار  
گرفته و دند و پس از آنکه «سیلور» یکی از آنها را بیرون کشید و  
نگاهی سطحی به فحاش انداخت قیافه اش دمقا تغییر یافت و بی اختیار  
شروع کرد بسوت زدن. آنکه تند تند و بجهت بد دفترچه های دیگر نیز  
نگاهی کرد و سپس در حالی که انگشت ششش را لای صفحات یکی از  
دفترچه ها جای داده بود بکشتش را محکم روی میز کوفت و خطاب به  
«بک» و «آندی» گفت: اینقدر نزدیک و آنوقت آنقدر دور! دفتر  
خاطرات. قهره گاهگاه او در این دفترچه ها یکی دو خطی از حوادث  
رو در مره زندگایش می نوشته و بر طبق اینها دو سال و نیم پیش شمله بک  
عشق بزرگ وجود او را سوزانده است. باینسی این عارقه مربوط به  
زودن آنسال باشد چون صفحات چهارم هفت پشت سر هم را از این دفترچه  
پاره کرده اند



# در آینده نزدیک در سینماهای درجه اول پایتخت



اولین محصول دوبلاژ

استودیو آژیر فیلم

## دزدان کافه

## علی بابا



باشرک:

توتو... سلطان کمدی ایتالیا

جیناماریا کازالی

ملکه زیبا ایتالیا

## دزدان کافه علی بابا

زیر نظر نویسنده شوخ ایرانی حسین مدنی

و با همکاری هنرپیشگان مشهور فیلمهای فارسی

و حدت

ایرین عاصمی - مهرزاد

بزرگان فارسی دوبله شده است





سینما کرسیال

برنامه آینده



BING  
**CROSBY**  
GRACE  
**KELLY**  
WILLIAM  
**HOLDEN**

in A PERLBERG-SEATON Production

# THE COUNTRY GIRL

Produced by WILLIAM PERLBERG  
Written for the Screen and Directed by  
GEORGE SEATON  
From the play by Clifford Odets  
A Paramount Picture



## دختر دانی

باستراک:

گرسی کلی برنده جایزه اسکار در این فیلم

بینک کرازبی - ویلیام هولدن



برنامه آینده

سینما سهیلا

شیطان صفتان

اثر: کلوزو



Les Diaboliques

ASU...

کتابخانه...